



ارگ:

برای مردم به غیر از جمهوریت، دیگر هیچ نظامی قابل قبول نیست

اطلاعات روز: دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری می‌گوید که عزم و اراده‌ی مردم به حفظ نظام کنونی جمهوری اسلامی...

صفحه ۲

کابل‌نان:

مردی که چاقوبش را روی گلویم گذاشت

صفحه ۳

نقش جامعه مدنی

در روند صلح افغانستان



صفحه ۴

راه‌حل‌های تعمیر ناشونده

و شکست خورده (۳)

صفحه ۸

یادداشت روز

تشتت حوزه جمهوریت، آبی که به آسیاب دشمن می‌ریزد

دامن پراکندگی سیاسی در افغانستان در حال بزرگ‌تر شدن است. اختلاف نظر در مورد روند صلح و آینده سیاسی افغانستان از محدوده نیروهای سیاسی در حال بیرون شدن است. قبلاً تنها میان ارگ و سپیدار و نهایتاً چهره‌های شاخص سیاسی و جهادی درباره صلح اختلاف نظر وجود داشت. اما حالا اختلاف و تشتت به قوه‌های دولت نیز سرایت کرده است. این روزها علاوه بر این‌که میان شورای عالی مصالحه ملی و ارگ ریاست‌جمهوری اجماع نظری وجود ندارد و بسیار از چهره‌های سیاسی حوزه جمهوریت هر کدام نسخه خودش را برای صلح می‌پیچد، پای پارلمان نیز به این بحث کشیده شده است. در دو روز گذشته از تریبون اصلی پارلمان مسأله‌ی حمایت از حکومت موقت مطرح شده است.

طرح حکومت موقت از تریبون پارلمان فارغ از این‌که چقدر جدی است، اما یک پیام روشن دارد: تشتت در حوزه جمهوریت. حکومت اکنون به صورت وسیع، حمایت سیاسی و اجتماعی‌اش را در افغانستان...

۲



صفحه ۲

عبدالله به طالبان:

هر خواستی که دارید در میز مذاکره مطرح کنید

حمله‌ی طالبان بر پاسگاه امنیتی در شهر قندوز؛

چهار پولیس و پنج طالب کشته شدند

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت قندوز می‌گویند که در پی حمله‌ی جنگ‌جویان گروه طالبان بر یک پاسگاه پولیس در مربوطات شهر قندوز...

صفحه ۲

نخستین کارخانه پروسس و بسته‌بندی برنج در لغمان فعال شد

صفحه ۲



تزارش

حکومت موقت؛ حاشیه‌ی چاق‌تر از متن کمیته صلح مجلس نمایندگان

همزمان با ایجاد کمیته‌ی صلح مجلس نمایندگان، بحث حکومت موقت در جریان مذاکرات صلح حکومت افغانستان و طالبان، به یک بحث داغ و حساسیت‌برانگیز میان کنشگران سیاسی، کارشناسان و اعضای مجلس نمایندگان تبدیل شده است. اخیراً میررحمان رحمانی، رئیس مجلس نمایندگان افغانستان با ایجاد «کمیته صلح مجلس نمایندگان» از «طرح حکومت موقت» حمایت کرده است. آقای رحمانی گفته است که طرحی زیر عنوان «حکومت صلح» یا «حکومت موقت» که از سوی طالبان و امریکایی‌ها روی آن توافق صورت گرفته، به دستش رسیده است. حمایت آقای رحمانی از طرح «حکومت موقت» با واکنش‌های مختلف روبرو شده است. برخی از اعضای مجلس در مخالفت با ایجاد کمیته صلح و سخنان رئیس مجلس در مورد...

۳

خروج امریکا، جنگ جهادگرایان در پاکستان و درس‌هایی از ترور بی‌نظیر بوتو

تحریک طالبان پاکستان، مفتی نورولی محسود خطاب به ائتلافی از فرماندهان ارشد تحریک طالبان پاکستان در مورد اهداف آینده این جنگ در پاکستان، تنها مدرکی نیست که نشان می‌دهد این جنگ ادامه خواهد یافت. بلکه تاریخ نیز نشان می‌دهد که | صفحه ۴

تزارش



درخشش شاعران افغانستان در جشنواره «ژاله اصفهانی»

یازدهمین دور جشنواره «ژاله اصفهانی» روز جمعه، ۱۲ دلو برگزار شد. این جشنواره که در سال‌های قبل معمولاً در دانشگاه لندن برگزار می‌شد در این دو سال اخیر، به دلیل شیوع ویروس کرونا، در فضای مجازی برگزار شده است. در یازدهمین دور این جشنواره | صفحه ۵



World Food Programme

درخواست برای ابراز علاقمندی

EXPRESSION OF INTEREST NO. WFP/AFG/SC/EOI/2021/01

دفتر پروگرام غذایی جهان - افغانستان (WFP) در جستجوی شرکت‌های معتبر و ثبت شده ترانسپورتی و ترانزیتی به منظور ارائه خدمات ذیل می‌باشد:
۱- شرکت‌های ترانسپورتی به منظور انتقال مواد غذایی و غیرغذایی بشر دوستانه از گدام‌های این دفتر واقع در ولایات کابل، مزارشیرف، بدخشان، ننگرهار، هرات و قندهار به دیگر نقاط کشور.
۲- شرکت‌های ترانزیتی برای تصفیه اسناد گمرکی محموله‌ها از گمرک‌های حیرتان، شیرخان بندر، آقینه، تورغندی، اسلام قلعه، تورخم و سپین‌بولدک و انتقال آن به دیگر ولایات کشور.
بناء از شرکت‌های علاقمند دعوت به عمل می‌آید تا سند اظهار علاقمندی خود را همراه با جواز، اسناد تجاری کاری، اسناد تصفیه مالیاتی و معلومات حساب بانکی خویش را تحت عنوان ذیل جهت بررسی و طی مراحل بعدی به ایمیل آدرس KABL.PROCUREMENT@WFP.ORG ارسال بدارند. آخرین مهلت الی تاریخ ۱۳ فبروری ۲۰۲۱ مطابق با ۲۶ دلو ۱۳۹۹ ساعت ۴ بعد از ظهر می‌باشد.
REFERENCE: EOI NO. WFP/AFG/SC/EOI/2021/01 FOR TRANSPORTATION AND CLEARING & FORWARDING SERVICES

از دست داده است و صف اپوزیسیون سیاسی از همیشه طولانی‌تر شده است. به عبارت دیگر در کلیت حوزه‌ی جمهوری اسلامی افغانستان اختلاف‌نظر و چنددستگی موج می‌زند. ارگ ریاست‌جمهوری به رهبری رییس‌جمهور غنی و متحدانش در یک صف، شورای عالی مصالحه‌ی ملی و دیگر نیروهای سیاسی هر کدام ساز خود را می‌زنند. حالا پارلمان نیز به این صف اضافه شده و برنامه‌ی سیاسی خودش را در خصوص صلح افغانستان دارد. به‌لحاظ سیاسی و تاکتیکی در چنین وضعیتی نمایندگی یکدست و واحد از جمهوری اسلامی افغانستان و ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی ممکن نیست. بدون تعارف پیامد روشن این وضعیت غلبه‌ی سیاسی و نظامی امارت اسلامی بر جمهوریت است و معنای این کار آب انداختن به آسیاب دشمن است.

در اوضاعی که اختلاف‌نظر، کین‌توزی و رقابت بر سر قدرت، سیاست‌مداران افغانستان را به جناح‌های مختلف تقسیم کرده است و مذاکرات در دوحه متوقف شده، طالبان در حال استفاده‌ی بهینه از این فرصت است. نمایندگان سیاسی این گروه با سفر به کشورهای منطقه در حال باگیری و تقویت موضع و روایت‌شان است. دیپلماسی طالبان این روزها به قدری قدرت‌مند عمل می‌کند که فضای رسانه‌ای و سیاسی منطقه و جهان را به خود اختصاص داده است. طالبان بیشتر از حکومت افغانستان سر خط رسانه‌های جهان است. این وضعیت نتیجه‌ی دیپلماسی فعال طالبان و انفعالی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی افغانستان است. درحالی‌که طالبان بیشتر از هر زمان دیگری زیر فشار است. از یک طرف این گروه متهم است که به توافق‌نامه دوحه که با امریکا امضا کرده پایند نبوده و از طرف دیگر به‌دلیل دامن‌زدن به خشونت‌های جاری در افغانستان زیر فشار سیاسی جهان قرار دارد. اعلامیه سه روز پیش نمایندگی‌های سیاسی کشورهای اروپایی و غربی طالبان را آشکارا مسئول شدت‌گرفتن جنگ در افغانستان شناخته است.

اما به‌دلیل مصروفیت حوزه جمهوریت به اختلاف‌های داخلی فرصت فشار حداکثری بر طالبان در حال از دست‌رفتن است. واقع‌بینانه این است که نباید جناح‌های سیاسی و قوه‌های دولت در چنین شرایط حساس به اختلاف معمول سیاسی و نهادی که در هر کشوری هست سرنوشت فردای افغانستان را قمار بزنند. اختلاف قوه‌های دولت در هر کشوری یک امر معمول است. مثلا در امریکا میان نانسی پلوسی رییس مجلس نمایندگان و دونالد ترامپ رییس‌جمهور پیشین این کشور و نمایندگان مربوط به جناح‌ها اختلاف‌های بسیار جدی شد، اما همین‌که سرنوشت مردم امریکا مطرح شد، همه در کنار منافع شهروندان امریکا ایستاد شدند. مدت‌ها است که روابط میان پارلمان و حکومت افغانستان بر سند بودجه تیره شده است. این مشکل راه حل منطقی دارد و نباید یک امر معمول، فرصت برای تصفیه حساب سیاسی شود. انتظار این است که اختلاف‌های معمول نهادی از مسأله‌ی بنیادی و سرنوشت‌ساز صلح جدا شود.

انسجام و هماهنگی سیاسی به حداقل آن در طول دو دهه‌ی اخیر رسیده است و این تشد و وسیع، فارغ از این‌که به‌لحاظ سیاسی و تاکتیکی، مذاکرات بین‌الافغانی را پیچیده و دشوار می‌کند، به‌لحاظ ارزشی، می‌تواند به غلبه یا دست‌کم نافذشدن مقتدرانه‌ی جنبش طالبان در مذاکرات صلح منجر شود. بنابراین جناح‌های سیاسی و نهادهای متعلق به جمهوری اسلامی افغانستان باید مسئولیت خلق انسجام سیاسی در آستانه‌ی مذاکرات مجدد صلح افغانستان را جدی بگیرد. همه طرف‌ها به‌شمول ارگ مسئولانه عمل کنند.

نخستین کارخانه پروسس و بسته‌بندی برنج در لغمان فعال شد

به گفته‌ی او، این کارخانه در کنار ایجاد شغل برای بیش از ۳۰ باشنده‌ی لغمان، محصولاتش را به ولایت‌های کنر، ننگرهار، نورستان و کابل نیز عرضه خواهد کرد. ولایت لغمان در شرق افغانستان موقعیت دارد. براساس معلومات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، لغمان یکی از ولایت‌هایی است که در آن به پیمان‌های زیاد برنج کاشت می‌شود. حاصلات برنج لغمان در سال جاری خورشیدی به ۱۵ هزار تُن رسیده است.

اطلاعات روز: وزارت صنعت و تجارت کشور می‌گوید که نخستین کارخانه‌ی پروسس و بسته‌بندی برنج در ولایت لغمان به فعالیت آغاز کرده است. فواد احمدی، سخن‌گوی وزارت صنعت و تجارت دیروز (سه‌شنبه، ۱۴ دلو) گفته است که این کارخانه با سرمایه‌ی ۷۰۰ هزار دالر امریکایی بر گستره‌ی چهار جریب زمین فعال شده است. آقای احمدی همچنان گفته است که این کارخانه ظرفیت پروسس و بسته‌بندی ۷۵ تُن برنج را در یک شبانه‌روز را دارا است.

عبدالله به طالبان:

هر خواستی که دارید در میز مذاکره مطرح کنید



عبدالله عبدالله درحالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که هیأت‌هایی از گروه طالبان اخیر در جریان سفرشان به روسیه و ایران، در مورد ایجاد حکومت جدید اسلامی در نتیجه‌ی مذاکرات صلح، صحبت کرده‌اند. شیرمحمد عباس استانکزی، معاون سیاسی دفتر طالبان در قطر که ریاست هیأت این گروه را در روسیه به عهده داشت، در یک نشست خبری گفت که اگر مذاکرات صلح به موفقیت بیانجامد، حکومت اشرف غنی از بین می‌رود و یک حکومت جدید اسلامی روی کار می‌آید.

در پی این اظهارات استانکزی، ارگ ریاست‌جمهوری به آن واکنش نشان داد. دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری گفته بود که دوره‌ی کار رییس‌جمهور را قانون اساسی تعیین کرده است.

او افزوده بود که رییس‌جمهور کنونی پس از تکمیل دوره‌ی کار خود قدرت را به کسی می‌سپارد که براساس آرای مردم انتخاب شده باشد.

سال گذشته داشته باشیم، این است که اراده با زور بر مردم افغانستان تحمیل شده نمی‌تواند.»

به گفته‌ی عبدالله، باید تمامی طرف‌ها تنوع کنونی در افغانستان را مدنظر گیرند.

او در ادامه افزود که هیچ کسی نمی‌تواند اراده‌ی خود را بر زنان نیز تحمیل و حقوق آنان را سلب کند. رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی تأکید کرد که حقوق و آزادی‌ها را زنان تحفه نگرفته‌اند و در مذاکرات صلح هم باید حقوق زنان مورد توجه قرار گیرد.

وعده بدهد که آینده‌ی کشور را به این گروه می‌سپارد.

عبدالله عبدالله این موضوع را از صلاحیت مردم افغانستان خواند و گفت که مردم نیز به این نتیجه رسیده‌اند که راه‌حل جنگ نیست. در همین حال، او خاطر نشان کرد هر طرفی که مسئولیت ادامه‌ی جنگ را به عهده گیرد، باید عواقب آن را نیز مدنظر گیرد: «بالاخره چه؟ تا چه وقت؟ آیا با جنگ یک طرف می‌تواند اراده‌ی خود را بر سایر اطراف تحمیل کند؟ اگر یک درس از ۴۲

حمله طالبان بر پاسگاه امنیتی در شهر قندوز؛ چهار پولیس و پنج طالب کشته شدند

که این حمله دو شب پیش بر یک پاسگاه پولیس در ساحه‌ی «باغ زراعت» از مربوطات حوزه‌ی اول امنیتی شهر قندوز صورت گرفته است. آقای رحمانی به روزنامه اطلاعات روز گفت که در جریان درگیری‌ها، پنج جنگ‌جوی طالب کشته و سه جنگ‌جوی دیگر این گروه زخمی شده‌اند. به گفته‌ی او، با رسیدن نیروهای کمکی، حمله‌ی طالبان عقب زده شده است. او در ادامه گفت که در جریان این حمله‌ی طالبان، یک پولیس کشته و یک پولیس دیگر زخمی شده است. گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است. ولایت قندوز در شمال‌شرق کشور موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت ناامن، جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت گسترده‌ی تروریستی دارند.

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت قندوز می‌گویند که در پی حمله‌ی جنگ‌جویان گروه طالبان بر یک پاسگاه پولیس در مربوطات شهر قندوز، چهار سرباز پولیس کشته و دو سرباز دیگر زخمی شده‌اند.

فوزیه یفتلی، عضو شورای ولایتی قندوز به روزنامه اطلاعات روز گفت که این حمله حوالی ساعت ۸:۰۰ دو شب پیش (دوشنبه، ۱۳ دلو) در ساحه‌ی عقب ریاست صحت عامه‌ی قندوز صورت گرفته است. خانم یفتلی همچنان گفت که درگیری میان نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان گروه طالبان بیش از نیم ساعت ادامه داشته است. او افزود که دو سرباز دیگر پولیس ناپدید شده‌اند و هنوز مشخص نیست که افراد نفوذی طالبان بوده و یا این که از سوی این گروه به گروگان گرفته شده‌اند.

در همین حال، انعام‌الدین رحمانی، سخن‌گوی فرماندهی پولیس ولایت قندوز می‌گوید

ارگ:

برای مردم به غیر از جمهوریت، دیگر هیچ نظامی قابل قبول نیست

می‌دهد، طالبان نیز حاضر است برای یک حکومت جدید مذاکره کند.

همزمان با این، در روزهای اخیر پیش‌نویس طرح حکومت موقت نیز به یک بحث داغ در رسانه‌ها مبدل شده است. طرحی که هنوز مشخص نشده از سوی کدام جریان آماده شده، واکنش‌هایی زیادی را در پی داشته است.

امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری دو روز پیش در صفحه‌ی رسمی فیس‌بوک خود نوشته بود: «درین روزها نوشته‌ای در میان جامعه دست بدست می‌شود که از نشانی مبهم و بی‌نشان پخش شده و اسم آنرا گذاشته‌اند راه صلح و حکومت شراکتی صلح. من این نوشته را که از آن بوی لابی تروریست‌ها به مشام می‌رسد، خواندم. این به اصطلاح طرح که تعدادی را ذوق‌زده ساخته است، چیزی به جز از یک پروژه تفرقه و تضعیف افغانستان نیست.»



از بین می‌رود و یک حکومت جدید اسلامی تشکیل می‌شود.

شیرمحمد عباس استانکزی که ریاست این هیأت طالبان را بر عهده داشت، همچنان گفته بود در صورتی که اشرف غنی سر از امروز از جنگ دست بردارد و اعلام کند که استعفا می‌کند و به‌خاطر صلح قربانی

از تبصره درباره‌ی میکانیزم نظام، مسئول خون‌ریزی مردم افغانستان است. به گفته‌ی او، بحث بر سر چوکات نظام پیش از وقت است و در حال حاضر مردم منتظر این است که آتش گرم جنگ خاموش شود.

اندر در ادامه نوشته است: «جمهوریت خود این مفهوم را دارد که هر گونه تشکیل سیاسی را می‌تواند در خود جای دهد. اگر طالبان به‌جای گروه جنگی و تروریستی به یک جریان تفاهم و فعالیت سیاسی مبدل شود، طبیعی است که در چتر جمهوریت شامل شده می‌توانند.»

این درحالی است که اخیرا هیأت‌هایی از گروه طالبان در سفرشان به مسکو و تهران در مورد ایجاد یک حکومت جدید اسلامی در نتیجه‌ی مذاکرات بین‌الافغانی سخن گفته‌اند. هیأت طالبان در مسکو گفته بود که اگر مذاکرات صلح به موفقیت برسد و صلح در افغانستان تأمین شود، حکومت اشرف غنی

اطلاعات روز: دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری می‌گوید که عزم و اراده‌ی مردم به حفظ نظام کنونی جمهوری اسلامی واضح است و برای مردم به غیر از جمهوریت، دیگر هیچ گونه نظامی قابل قبول نیست.

آقای مینه‌پال دیروز (سه‌شنبه، ۱۴ دلو) در توییتی نوشته است که اراده‌ی واضح ملت این است که حکومت در روشنایی احکام قانون اساسی تا زمان تعیین‌شده فعالیت کند. به گفته‌ی او، مکلفیت قانونی رییس‌جمهور نیز این است که قدرت را از طریق انتخابات به جانشینش واگذار کند.

رحمت‌الله اندر، سخن‌گوی دفتر شورای امنیت ملی نیز در رشته‌توییتی نوشته است که توافق‌نامه‌ی دوحه میان امریکا و گروه طالبان اساس مطلق تصمیم‌گیری برای تمام مسائل بین‌الافغانی نیست. آقای اندر همچنان نوشته است که گروه طالبان پیش



در شبانه‌روز گذشته ۵۳ مریض جدید کووید ۱۹ شناسایی شده‌اند

براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته یک مورد مرگ ناشی از کرونا در ولایت ننگرهار به ثبت رسیده است. شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مریضی کووید ۱۹ در افغانستان تا دیروز به دوهزار و ۴۰۶ نفر رسیده است.

همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته ۷۵ مریض کووید ۱۹ در ولایت‌های کابل، قندهار، ننگرهار، قندوز، غزنی، هلمند، کنر، فاریاب و زابل بهبود یافته‌اند. به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۴۷ هزار و ۷۹۸ نفر افزایش یافته است.

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۸۸۸ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را تست کرده است که نتایج آزمایش ۵۳ نمونه‌ی آن مثبت تشخیص شده است.

این تعداد موارد مثبت کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، ننگرهار، نیمروز، میدان‌وردک، غزنی، هلمند، فاریاب، پکتیکا و نورستان به ثبت رسیده است.

با ثبت این رویدادها، شمار مجموعی مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان از نخستین روز شیوع این ویروس تاکنون به ۵۵ هزار و ۱۷۴ نفر رسیده است.

حکومت موقت؛

حاشیه‌ی چاق‌تر از متن کمیته صلح مجلس نمایندگان

عباس عارفی
گزارشگر

همزمان با ایجاد کمیته‌ی صلح مجلس نمایندگان، بحث حکومت موقت در جریان مذاکرات صلح حکومت افغانستان و طالبان، به یک بحث داغ و حساسیت‌برانگیز میان کنشگران سیاسی، کارشناسان و اعضای مجلس نمایندگان تبدیل شده است. اخیرا میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان افغانستان با ایجاد «کمیته صلح مجلس نمایندگان» از «طرح حکومت موقت» حمایت کرده است. آقای رحمانی گفته است که طرحی زیر عنوان «حکومت صلح» یا «حکومت موقت» که از سوی طالبان و امریکایی‌ها روی آن توافق صورت گرفته، به دستش رسیده است. حمایت آقای رحمانی از طرح «حکومت موقت» با واکنش‌های مختلف روبه‌رو شده است. برخی از اعضای مجلس در مخالفت با ایجاد کمیته صلح و سخنان رییس مجلس در مورد طرح حکومت صلح یا موقت، میررحمان رحمانی را به خیانت ملی متهم و موضع او را در راستای «منافع کشورهای همسایه» اعلام کرده‌اند. مریم سما، یکی از اعضای مجلس نمایندگان از سخنان رییس مجلس در این مورد به‌شدت انتقاد کرده و خواستار لغو کمیته صلح مجلس نمایندگان شده است. درحالی‌که بنابر گفته‌ی برخی از اعضای مجلس، کمیته‌ی صلح با اکثریت آرای اعضای مجلس نمایندگان ایجاد شده است.

عبدالستار حسینی، عضو مجلس نمایندگان که عضویت کمیته صلح مجلس را دارد، در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که کمیته صلح مجلس با اکثریت آرا ایجاد شده که روند صلح را بررسی کند. از آزادی زندانیان گرفته تا کندی در روند مذاکرات.

«چرا طی دو سال، شش‌هزار طالب که قاتل

کابل‌نان

گزارش

گزارشگر

گزارشگر

گزارشگر

گزارشگر

مردم افغانستان بودند، از سوی حکومت رها شد، و همین‌طور پنج ماه است که هیأت مذاکره‌کننده به دوحه رفته، اما نتیجه‌ای به دست نیامده است. بنابراین کمیته صلح این موارد را بررسی می‌کند که آیا در روند صلح حکومت تعلل می‌کند یا طالبان.»

آقای حسینی می‌گوید که اکنون کمیته‌ی صلح با چالش مداخله از سوی حکومت روبه‌رو است. به گفته‌ی او پس از ایجاد این کمیته، مسئولان اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری و شورای امنیت ملی به دید و بازدید برخی از نمایندگان پرداخته است. آنان به به برخی از نمایندگان وعده‌ی بست‌های دولتی داده‌اند تا با این کمیته مخالفت کنند.

در رابطه به بحث حکومت موقت نیز این نماینده مجلس می‌گوید: «اگر طرح حکومت موقت، ضمانت اجرایی قوی از سوی جامعه جهانی و سازمان ملل متحد داشته باشد و از خون‌ریزی جلوگیری کند، ما حاضریم در این زمینه قربانی بدهیم.»

با این حال شماری دیگری از اعضای مجلس نمایندگان با بحث ایجاد حکومت موقت طرح آن، همچنان با ایجاد کمیته صلح مخالفت کرده‌اند. نیکبخت فهیمی، عضو مجلس نمایندگان به اطلاعات روز می‌گوید با کمیته‌ی صلحی که به گفته‌ی او رییس مجلس نمایندگان با «حلقه‌ی خاص همفکرانش» ایجاد کرده است مخالفت است.

خانم فهیمی همزمان در بحث طرح حکومت موقت نیز از مخالف آن است. به گفته‌ی خانم فهیمی حمایت رییس مجلس از طرح حکومت موقت «عقده‌مندانه» است. او می‌گوید مشکلات و اختلاف‌های که بین رییس مجلس نمایندگان و «حلقات ارگ ریاست‌جمهوری» وجود دارد باعث شده است که آقای رحمانی از چنین طرحی حمایت کند. این عضو مجلس می‌گوید:

مردی که چاقویش را روی گلویم گذاشت

| **سهراب سروش** |

بعداظهر یک روز آفتابی زمستانی، مردی ۳۷ ساله‌ای در جایی از شلوغی‌های «پل باغ عمومی»، پای یک دیوار، قوز کرده نشسته بود و به کفش‌های آدم‌های که از پیش رویش می‌گذشتند، می‌دید و نمی‌دید. کفش‌های گوناگون مردانه، زنانه و کودکانه از پیش رویش تاق و جفت می‌شدند؛ کفش‌های نو و جلادار، کفش‌های کهنه و خاک‌آلود، کفش‌های نوکتیز، کفش‌های بنددار، کفش‌های پاشنه‌بلند، تمام کفش‌های یک خانواده، پوتین‌های سربازی، کرمچ‌های ورزشی، کفش‌های محفلی، کفش‌های که می‌لنگیدند، کفش‌های که خیز می‌کردند و کفش‌های که آرام گام برمی‌داشتند.

به‌نظر می‌رسید او در انتظار توقف یک جوهره از آن کفش‌ها خوابش برده است، اما بیدار بود، بیدار و هوشیار. عصایش را پشت سرش به دیوار تکیه داده بود و آنجا که سر عصایش به زمین می‌رسید، کوله‌پشتی نظامی‌اش را گذاشته بود. یک زانویش را بغل گرفته بود و زانوی دیگریش وجود نداشت. چرا؟ او در اوج جوانی در اردوی ملی ثبت نام می‌کند و چند سال بعد با رتبه‌ی «برید مل» برای جنگیدن به ولایت قندهار اعزام می‌شود. در سال ۱۳۸۷ موتر نظامی او و هم‌زمانش در ولسوالی پنجوابی ولایت قندهار روی ماین برابر می‌کند. فردای آن روز داکتران نظامی نیروهای هالند در ترینکوت، مرکز ولایت ارزگان به این نتیجه می‌رسند که پای او دیگر پای نمی‌شود. چون استخوانش به گوشت تبدیل شده و گوشت‌ها سوخته است. به همین خاطر آن را از بیخ می‌برد و یک عصا چوب باریک به دستش می‌دهد. چند ماه بعد او با شلوار پلنگی که یک پاچه‌ی آن خالی است و با تکیه به عصایش به زادگاهش در ولایت کاپیسا برمی‌گردد.

این‌که پس از آن بر او چه می‌گذرد، از حوصله‌ی این ستون خارج است. در یک کلام خلاصه می‌کنم؛ بدبختی پشت بدبختی. تنها برادرش که بادیگارد یک وکیل شورای ولایتی بوده، بنا

«حمایت رییس مجلس از طرح حکومت موقت نظر شخصی خودش است. همه‌ی اعضای مجلس نمایندگان از چنین طرحی حمایت نمی‌کند. نظام فعلی کم‌وکاستی‌های داشته، ولی با آن‌هم از حکومت موقت و حکومت اسلامی طالبانی به مراتب بهتر بوده است.»

همزمان با آغاز روند صلح افغانستان، بحث حکومت موقت با عنوان‌های مختلف همچون «حکومت صلح»، «حکومت عبوری» و «حکومت مشترک» که همه با یک مضمون و درون‌مایه‌ی که در آن «رییس‌جمهور در قدرت نخواهد بود» همواره به مثابه‌ی حاشیه‌ی چاق‌تر از متن مذاکرات صلح مطرح بوده است. اما این‌که بحث حکومت موقت یا حکومت صلح چقدر جدی است، کارشناسان دیدگاه‌های متفاوت دارند.

بحث حکومت موقت از دید کارشناسان چقدر جدی است؟

دکتر کریم پاکزاد، پژوهشگر در بنیاد مطالعات بین‌المللی و استراتژیک فرانسه معتقد است که اگر روند صلح موفقانه پیش برود، دو طرف روی دو مسأله‌ی اساسی، یعنی موافقت روی نظام سیاسی و آتش‌بس دائمی به توافق برسند، در آن‌صورت به حکومت موقت یا عبوری ضرورت است تا آن توافق را عملی کند.

به گفته‌ی آقای پاکزاد، باید یک مرجعی باشد که توافق را عملی کند. این مرجع باید مورد اعتماد دو طرف باشد تا بی‌طرفانه دوره انتقالی را به پایان برساند. این مرجع را می‌توان «حکومت موقت» یا «حکومت عبوری» نامید. آقای پاکزاد می‌گوید: «افغانستان از حکومت موقت یا انتقالی بعد از حمله امریکا و سقوط امارت اسلامی طالبان تجربه نسبتا خوب دارد.»

علی عادل‌ی، پژوهشگر در شبکه تحلیلگران افغانستان نیز به این نظر است که در روند صلح

افغانستان یک دوره‌ی عبوری اجتناب‌ناپذیر است. اما به گفته‌ی او انگیزه‌های دو طرف از مطرح‌کردن حکومت موقت ممکن است متفاوت باشد. جانب جمهوری هدف از طرح حکومت موقت را بیشتر گشودن راه برای مصالحه با گروه طالبان می‌داند، درحالی‌که طالبان با طرح حکومت موقت در واقع به دنبال نفی مشروعیت نظام کنونی و نهادهای برحال دولت است.

آقای عادل‌ی معتقد است که با این‌همه حکومت موقت، بعد از یک سلسله توافقاتی قابل تصور است. رییس‌جمهور غنی مخالف حکومت موقت با هر عنوانی که مطرح باشد است. چرا که وی در تلاش است تا در قدرت بماند و دوره ریاست‌جمهوری‌اش را تکمیل کند. اما این‌که تا چه اندازه می‌تواند مانع شکل‌گیری یک دوره عبوری شود، بیشتر به شتاب روند گفت‌وگوها و حمایت جامعه جهانی، به‌خصوص ایالات متحده امریکا بستگی دارد.

شجاع‌حسین محسنی، نویسنده و آگاه امور سیاسی در گفت‌وگو با اطلاعات روز بحث حکومت موقت را جدی می‌داند، چرا که رهبران گروه طالبان با استفاده از این به پیروان خود می‌گویند که «ساختاری را که امریکایی‌ها به وجود آورده بود از بین بردیم، حکومت را کنار زدیم و توانستیم ساختاری را که می‌خواستیم ایجاد کنیم.»

از نظر آقای محسنی، اگر طالبان بخواهند در این ساختار و حکومت کنونی وارد شوند، معنایش این است که ادعایی که در این سال‌ها داشته‌اند غلط بوده است؛ ادعای «دولت دست‌نشانده‌ی اشغال‌گران». بنابراین در این بحث طالبان در درون خود دچار تنش و تفرقه می‌شوند: «از این منظر بعید است که طالبان در این ساختار و حکومت فعلی ادغام شوند.»

محسنی این پرسش را مطرح می‌کند که «حکومت موقت در کدام چارچوب اعمال شود؟»

۳ | اطلاعات روز | شماره ۲۰۸۴

او چند احتمال می‌دهد؛ یک احتمال این است که «ساختار کنونی برچیده شود، قانون اساسی و یک حکومت نو تعریف شود.» اما این سناریو به ضرر است و هم بعید. چون نیروهای سیاسی در کابل روی این قانون اساسی جدید باید توافق کنند. بنابراین تنها راه برای توافق صلح حکومت موقت است و این امر با استفاده از «ماده ۶۷ قانون اساسی» ممکن می‌شود. براساس این ماده قانون اساسی «رییس‌جمهور و معاونین او استعفا بدهند که در آن‌صورت حکومت موقت به میان می‌آید.» یعنی ما این نظام و ساختار را داریم، فقط رییس‌جمهور و معاونین او استعفا می‌دهند و یک حکومت موقت در چوکات قانون اساسی موجود به میان می‌آید که هم نظام را حفظ می‌شود و هم می‌توان زمینه ادغام طالبان را در این نظام شاهد بود.

محمداکرام اندیشمند، نویسنده و پژوهشگر، باور دارد که گروه طالبان در بحث حکومت موقت صادق نیستند. «حکومت موقت در واقع فروپاشی نظام سیاسی و دولت است که جای آن‌را حاکمیت طالبان می‌گیرد.» از نظر اندیشمند، حکومت موقت افغانستان را در یک وضعیت انارشیک و جنگ همه علیه همه فرو می‌برد. حکومت موقت به نفع افغانستان نیست، بلکه «بازگشت به نقطه صفر و رفتن در قعر چاه» است.

برخی از کنش‌گران سیاسی و رهبران قومی در کابل نیز از طرح حکومت موقت استقبال و حمایت کرده کرده‌اند. اما اندیشمند در این باره می‌گوید که منتقدان و مخالفان درونی نظام و حاکمیت سیاسی «حکومت موقت را برای کنارزدن غنی و کشیدن او از ارگ» مطرح می‌کنند. این‌ها غیر از این نه برنامه‌های دارند و نه می‌توانند در مدیریت حکومت موقت نقشی داشته باشند. حکومت موقت در صورتی نیاز است که نهادهای دولتی و حکومت وجود نداشته باشد و برای احیای آن طرف‌های منازعه به حکومت موقت توافق کنند تا فرصتی باشد برای بحث روی نظم سیاسی پسامنازه. اما در افغانستان دولت و نهادهای دولتی وجود دارد و این دولت به اصلاح و بازنگری نیاز دارد که طرف‌های مذاکره روی آن باید کار و توافق کنند.

۳ | اطلاعات روز | شماره ۲۰۸۴

ذهنش نرسید که به زبان بیاورد. میترا گفت: «البد می‌خوایہ دعایی یتیمه بگیره؟» ناگهان مرد از مچ دستم محکم گرفت و دست دیگرش را در اعماق جیب زیر بغلش فرو کرد. یک چاقو بیرون آورد. با چلاکی قیدش را زد و تیغه‌ی چاقو به اندازہ‌ی یک خنجر بیرون پرید و راست شد. با چلاکی باورنکردی نوک تیزش را روی گردنم گذاشت. با پرخاش گفت: «پاک کن عکس‌ها ره.» یادم می‌آید که گفتم: «چشم، چشم.» منتظر بودم اطرافم سروصدایی شود و چند تا از آن کفش‌ها متوقف شوند و دخالت کنند، ولی انتظارم نابه‌جا بود. با سراسیمگی و دستپاچگی تا عکس را پیدا کردم، او فحش می‌داد و تهدید می‌کرد. وقتی عکس‌ها را حذف کردم، منتظر بودم مچم را رها کند، اما نکرد. به آدم‌ها نگاه کردم که به ما نگاه می‌کردند. دریغ از یک درنگ! همه گام‌های‌شان را تندتر از قبل برمی‌داشتند. یک نفر که سیگار می‌کشید، هیچ ما را ندیده بود. آرام راه می‌رفت و از دهانش دود غلیظی بیرون می‌زد که کمی بعد محو می‌شد. در وضعیتی که نوک چاقو روی گلویم بود، تصویر زودگذری از ذهنم گذشت که در آن خون از تیغه‌ی چاقو چکه می‌کرد. آرزو کردم کاش آن‌جا نبودم! کاش یکی از آن کفش‌دارانی بودم که دور می‌شود! کاش سیگار بودم که دود می‌شود! مرد از شدت خشم دندان‌هایش را ضد گرفته بود، گفت ورق‌های کتابچه‌ات را کنده کن! بی‌درنگ پاره کردم و به طرفش پیش کردم. چون دستانش مصروف بود، به میترا گفت بگیر! در وضعیتی که من آب دهانم را قورت می‌دادم، میترا کاملا خون‌سرد بود. ورق‌های را که روی آن خامه‌ی قصه‌ی خودش یادداشت شده بود تحویل گرفت و مرد دستم را رها کرد. دستم را که رها کرد، مثل فنر از جا جهیدم. وقتی دور می‌شدم، ناسزاگویمان صدا کرد: «گیر کوا!» پشت سرم نگاه کردم، دیدم پولی که در اول برایش داده بودم را از دنبالم به هوا رها کرد. من اما دور شدم با قلبی که سینهام را به لرزه درآورده بود. فکرها‌ی ناجوری در سرم توفان برپا کرده بود. او چرا خشمگین شد؟ نکند می‌خواهد از میترا سوءاستفاده کند؟ این‌جا کابل جان است.

عبدال سید، بنیاد جیمزناون
مترجم: جلیل پژواک

روایت‌های در حال تغییر و عملیات‌های القاعده و متحد پاکستانی‌اش، «تحریک طالبان پاکستان» در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که جنگ جهادگرایان بر ضد دولت در پاکستان با خروج آمریکا از افغانستان در سال ۲۰۲۱ یا بعد از آن، پایان نخواهد یافت. سخنرانی‌های اخیر امیر تحریک طالبان پاکستان، مفتی نورولی محسود خطاب به ائتلافی از فرماندهان ارشد تحریک طالبان پاکستان در مورد اهداف آینده این جنگ در پاکستان، تنها مدرکی نیست که نشان می‌دهد این جنگ ادامه خواهد یافت، بلکه تاریخ نیز نشان می‌دهد که این جنگ هنوز راه طولانی را در پیش دارد.

اعتقاد بر این است که اسلام‌گرایان پاکستانی از جنگ القاعده علیه دولت پاکستان در اصل به این خاطر پشتیبانی کردند که پاکستان پس از حملات ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده، سیاست خارجی‌اش را تغییر داد و از حمله‌ی به رهبری آمریکا به افغانستان که به سرنگونی رژیم طالبان در کابل انجامید، حمایت کرد. با این حال، جنگ جهادگرایان بر ضد دولت در پاکستان ریشه عمیق در پیچیدگی‌های سیاست پیشا ۱۱ سپتامبر پاکستان دارد که پس از ۱۱ سپتامبر به اسلام‌گرایان امکان داد زمینه را برای عملیات‌های القاعده درون پاکستان فراهم کنند. جنگ جهادگرایان بر ضد حکومت پاکستان چنان عمیق ریشه دوانیده است که حتی اگر جهاد علیه نیروی «کافر و اشغال‌گر» ایالات متحده در افغانستان و علیه متحدان آمریکا از جمله پاکستان، دیگر عاملی نباشد، برای این کشور همچنان یک چالش باقی خواهد ماند.

یکی از رویدادهایی که عمق ریشه‌های جنگ جهادگرایان و اسلام‌گرایان را در پاکستان نشان می‌دهد و عمدتاً نادیده گرفته شده است، ترور بی نظیر بوتو است که سیزدهمین سالگرد آن ماه گذشته بود. ترور بوتو نشانه‌هایی ارائه می‌دهد درباره این‌که چگونه خشونت جهادگرایان در پاکستان حتی اگر حمایت حکومت پاکستان از ایالات متحده در افغانستان، دیگر محرک ستیزه‌جویی القاعده و تحریک طالبان پاکستان نباشد، ادامه خواهد یافت. بوتو هنگامی که در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ در راولپنڈی، شهری در همسایگی اسلام‌آباد پایتخت، ترور شد، رهبر حزب سوسیال-دموکرات مردم پاکستان بود. او تازه در اکتبر ۲۰۰۷ از تبعید خودخواسته در بریتانیا و دبی به پاکستان به امید این‌که برای سومین بار نخست‌وزیر این کشور شود، بازگشته بود. بوتو به عنوان سیاست‌مدار برجسته اردوگاه سکولار و لیبرال سیاست پاکستان، اولین چهره‌ی مهم در پاکستان بود که توسط القاعده و تحریک طالبان پاکستان هدف قرار گرفت، اما آخرین نیست.

ترور او در روز روشن سال‌ها بحث‌برانگیز باقی ماند و منجر به اتهام‌زنی متقابل بین سیاست‌مداران پاکستان شد، اما شواهد جدید در کتابی در این خصوص که توسط امیر فعلی تحریک طالبان پاکستان، نورولی محسود، در



خروج آمریکا، جنگ جهادگرایان در پاکستان و درس‌هایی از ترور بی نظیر بوتو

سال ۲۰۱۷ منتشر شد، چندین معما درباره ترور بی‌نظیر بوتو را حل کرد. تحقیقات «اسکاتلند یارد» و تیمی از سازمان ملل متحد به این نتیجه رسید که عملیات ترور بی‌نظیر بوتو توسط بیت‌الله محسود (امیر بنیان‌گذار تحریک طالبان پاکستان) و به سفارش اسامه بن لادن از طریق ابوعبیده المصري، که فرماندهی عملیات‌های القاعده را در پاکستان برعهده داشت انجام شد. در این تحقیق اجراکنندگان این عملیات در رده‌های مختلف، از برنامه‌ریز ارشد آن عبدالرحمان (معروف به فاروق چتان) گرفته تا مهاجمان انتحاری و تا تسهیل‌کنندگان محلی آن، شناسایی شده است. کتاب محسود با نشان دادن این‌که بیت‌الله محسود و رهبری تحریک طالبان پاکستان به رغم همکاری در برنامه‌ریزی انجام عملیات ترور بوتو و نیز همکاری در ترورهای قبلی در لاکرنای ایالت سند در اکتبر ۲۰۰۷ (که در نتیجه آن ده‌ها عضو حزب بوتو کشته شد) عمدا دست‌داشتن در این ترور را رد کرده بودند، به این درک افزود.

دوره اول نخست‌وزیری؛ بی‌نظیر بوتو در برابر اسلام‌گرایی، القاعده و هسته قدرت‌مدار پاکستان

جنرال ضیاءالحق، چهره اسلام‌گرای ارتش پاکستان از طریق کودتای نظامی ذوالفقار علی بوتو، پدر بی نظیر را از قدرت کنار زد. این کودتا به صدور حکم جنجالی اعدام ذوالفقار در سال ۱۹۷۹ ختم شد. ضیاءالحق خیلی زود به خاطر پیش‌بردن فرایند اسلامی‌سازی پاکستان و نقش مرکزی‌اش در حمایت از جهادگرایان افغان علیه شوروی در افغانستان،

به قهرمان اسلام‌گرایان پاکستانی تبدیل شد. قهرمان بودن ضیا را به احزاب سیاسی اسلام‌گرا به‌ویژه «جماعت اسلامی» نزدیک‌تر کرد. حزب جماعت اسلامی رقیب ایدئولوژیک و سیاسی دیرینه حزب ذوالفقار علی بوتو بود و در دهه ۱۹۷۰ سازمان این حزب توسط حکومت حزب ذوالفقار علی بوتو سرکوب شده بود. بنابراین، بی نظیر میراث سیاسی پدرش را از جمله درگیری وی با اسلام‌گرایان پاکستانی و مخالفت وی با سلطه دستگاه نظامی پاکستان بر حکومت‌های منتخب دموکراتیک این کشور به ارث برد.

بی نظیر پس از شکست دادن اتحاد قدرت‌مندی از احزاب سیاسی اسلام‌گرا و جریان اصلی پاکستان در سال ۱۹۸۸ (اتحادی که گفته می‌شود مورد حمایت جنرال‌های ارتش طرفدار ضیا بود) به اولین نخست‌وزیر زن در پاکستان و اولین زنی تبدیل شد که نخست‌وزیری یک کشور با اکثریت مسلمان را برعهده داشت. احزاب اسلام‌گرا به دو دلیل عمده مخالف بی‌نظیر بودند: اول این‌که احزاب اسلام‌گرا ریاست دولت به دست یک زن را خلاف قوانین اسلامی می‌دانستند و دوم این‌که بی‌نظیر در مرور زمان به صدای بلند در برابر تفاسیر و تعبیر آن‌ها از اسلام تبدیل شده بود. جهادگرایان عرب در پاکستان نیز بیم آن داشتند که بی‌نظیر مانع تلاش آن‌ها برای اسلامی‌سازی بیشتر پاکستان و افغانستان شود. بن لادن از طریق معتمدانش در میان اسلام‌گرایان پاکستانی، طرح رأی عدم اعتماد پارلمان پاکستان را که توسط اتحاد سیاسی ضد بی‌نظیر مطرح شده بود، در سال ۱۹۸۹ تمویل کرد. شواهد بعدی حکایت از آن داشت که یک مأمور ارشد آی‌اس‌آی پاکستان، که در آن‌زمان به عنوان رییس‌دفتر آی‌اس‌آی

در اسلام‌آباد فعالیت داشته، مخفیانه نقش اصلی را در پیش‌برد این طرح ایفا کرده. این طرح معروف به «عملیات شغال نیمه‌شب» در تاریخ سیاسی پاکستان یک رسوایی کلان دانسته می‌شود که منجر به اخراج مأمور مذکور شد.

بی‌نظیر طی دوره دوم نخست‌وزیری‌اش بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ ده‌ها جهادی عرب را دستگیر و پس به کشورهای‌شان استرداد کرد. این سیاست به حبس ابد و مجازات اعدام برای جهادی‌های استردادشده منجر شد. جهادگرایان عرب باقی‌مانده در پاکستان، از ترس این‌که مبادا مانند سایر هم‌تایان‌شان دستگیر شوند به افغانستان، بوسنی، آسیای میانه و سودان گریختند. در میان جهادی‌های فراری کادراه‌های ارشد القاعده نیز بودند، از جمله ابوعبیده المصري و مصطفی ابوزبید که پس از یازده سپتامبر، در افغانستان و پاکستان به رهبران القاعده تبدیل شدند. ابوزبید بعداً ادعا کرد که ترور بی نظیر، انتقام از سیاست‌های او علیه جهادگرایان بوده است.

علاوه بر این، در نتیجه این استردادها یک جهادی پاکستانی وابسته به القاعده موسوم به رمزی یوسف، دو بار اقدام به ترور بی‌نظیر کرد، اما بوتو در هر دو مورد جان سالم به در برد. رمزی همچنین مغز متفکر بمب‌گذاری سال ۱۹۹۳ مرکز تجارت جهانی و برادرزاده خالد شیخ محمد، مغز متفکر حملات ۱۱ سپتامبر دانسته می‌شود. حکومت بی‌نظیر سرانجام رمزی را در فبروری ۱۹۹۵ در اسلام‌آباد دستگیر کرد و فوراً او را به ایالات متحده استرداد کرد، جایی که او تاکنون در حبس ابد به سر می‌برد. رمزی هنوز قهرمان القاعده است و مورد ستایش بن لادن و ایمن‌الظواهری قرار گرفته است.

علاوه بر این دستگیری‌ها و استردادها، حکومت بی‌نظیر در سال ۱۹۹۴ یک قانون جنجالی را در بخش «دیر» ایالت خیبر پختونخوا به اجرا درآورد که خشم اسلام‌گرایان محلی را برانگیخت. «تحریک نفاذ شریعت محمدی»، یک گروه انشعابی رادیکال حزب جماعت اسلامی، از طریق شورش‌های خشونت‌آمیز علیه این قوانین اعتراض کرد. در این اعتراضات کنترل ساختمان‌های دولتی و میدان هوایی سیدو شریف به دست معترضان افتاد. این رویدادها منجر به به ظهور جنبشی به سبک طالبان در منطق دیر، باجوړ و سوات خیبر پختونخوا به رهبری صوفی محمد، امیر تحریک نفاذ شریعت محمدی شد. جنبش وی هم‌زمان با ظهور ملا عمر در افغانستان ظهور کرد، اما هر دو جنبش جدا از هم باقی ماند و حکومت بی‌نظیر صدها تن از اعضای تحریک نفاذ شریعت محمدی را کشته و دستگیر کرد.

دو عضو ارشد تحریک نفاذ شریعت محمدی پس از صوفی محمد، یعنی داماد و جانشین او مولانا فضل‌الله و مولوی فقیر محمد، پس از ۲۰۰۷ به چهره‌های اصلی تحریک طالبان پاکستان تبدیل شدند. فقیر محمد به معاون بنیان‌گذار تحریک طالبان پاکستان و مولانا فضل‌الله در سال ۲۰۱۳ به امیر این تحریک تبدیل شد. فقیر محمد امیر بخش باجوړ تحریک طالبان پاکستان بود. پس از یازده سپتامبر، او میزبان رهبران القاعده در باجوړ، جمله ایمن الظواهری و ابوعبیده المصري بود. در همین حال، فاروق چتان، مغز متفکر عملیات ترور بی نظیر بوتو، از سوات می‌آمد و به «طالبان سواتی» به رهبری مولانا فضل‌الله از تحریک طالبان پاکستان وابسته بود.

دوره دوم نخست‌وزیری بی نظیر بوتو

به قدرت رسیدن بی‌نظیر برای دومین بار در پاکستان در سال ۱۹۹۳ به تشکیل گروه رادیکال «تحریک اسلامی پاکستان: منجر شد که از میان طبقه فکری جمعیت اسلامی در اسلام‌آباد و سایر مراکز شهری پاکستان پدیدار گشت. اعضای تندرو تحریک اسلامی پاکستان به دلیل سیاست‌های قاضی حسین احمد، رهبر جماعت اسلامی، در سال ۱۹۹۴ از جماعت اسلامی جدا شدند. برخی از این تندروها قاضی حسین احمد را متهم کردند که با پیگیری یک استراتژی ناموفق به بی‌نظیر امکان داد برای دومین بار نخست‌وزیر پاکستان شود. امیرا احسان، یک عضو ارشد تحریک اسلامی پاکستان که نماینده جماعت اسلامی در پارلمان پاکستان در سال ۱۹۸۸ بود، اکنون این اتهام را علیه جماعت اسلامی مطرح کرده بود. دگروال محمد حمید، برادر احسان، بعداً بخشی از تشکیلاتی شد که کودتای نافرجام سال ۱۹۹۵ را علیه بی‌نظیر و با برنامه‌ریزی جنرال‌های ارتش و یک فرمانده جهادی طرفدار القاعده به نام قاری سیف‌الله اختر، سازمان دادند.

راجا محمد سلمان (معروف به استاد احمد فاروق) که یکی از پسران امیرا احسان بود، نیز پس از ۱۱ سپتامبر نقش اصلی را در ایجاد

نقش جامعه مدنی در روند صلح افغانستان



می‌شوند. آنان در راستای ارتقای آموزش مدنی، دفاع از اصلاحات قانونی و مسائل

نقش خود را طوری انجام می‌دهند که از سوی دولت و مردم به رسمیت شناخته

مربوط به سیاست کار کرده‌اند. در میان سایر اقشار جامعه مدنی، نقش رسانه‌ها و سازمان‌های تحت رهبری زنان پس از سال ۲۰۰۲ برجسته‌تر شد. از این رو، در شرایط فعلی جامعه مدنی متشکل از انجمن‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی، دانشگاه‌ها، گروه‌ها و افراد داوطلب، سازمان‌های زنان، اتحادیه‌ها، سازمان‌های اجتماعی، سازمان‌های فرهنگی و همچنین افرادی است که طرفدار روشنگری مذهبی، حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی بیان، پاسخ‌گویی، صلح، عدالت و... اند.

اعضای جامعه مدنی به‌عنوان یک بخشی پرنشاط و جوش جامعه افغانستان نه‌تنها روند صلح را دنبال و ارزیابی می‌کنند، بلکه در صلح‌سازی محلی نیز فعالیت دارند و از آتش‌بس فوری و صلح پایدار حمایت می‌کنند. آنچه که نقش سازمان‌های جامعه مدنی را بیشتر از پیش برجسته می‌کند، این است که گروه‌های جامعه مدنی در حالی از شفافیت، گفت‌وگوهای صلح مبتنی بر موضوع و پرداختن به عوامل اصلی درگیری و خشونت، دفاع می‌کنند که بیشتر گروه‌های سیاسی

زیرا برخی از علما و گروه‌های مذهبی تحت حمایت شبکه‌های خارجی (ایالات متحده و پاکستان) قرار گرفتند تا با روشن‌فکران پیش‌رو شهری مخالفت کنند.

از چشم‌انداز این تغییرات، حمله ۱۹۷۸ شوروی به افغانستان می‌تواند به‌عنوان یک نقطه عطف در تعریف بازیگران جامعه مدنی تلقی شود. در طول دوران جهاد، حکومت مجاهدین و بعداً دوره‌های حاکمیت طالبان، فضای جامعه مدنی بیشتر با هردو -سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی- پر شده بود. هرچند در بیشتر موارد وقتی که جنگ شدت می‌یافت، این سازمان‌ها در خلای خدمات عملیاتی دولت، برای مردم در سراسر کشور و مناطق دورافتاده خدمات ارائه می‌کردند. انجوها و سازمان‌ها یا گروه‌های اجتماعی فعال در افغانستان، جایی‌که برخی به تحصیلات و معرفت دینی و برخی دیگر با آموزش سکولار برای ارائه خدمات عمومی به مردم دست‌به‌دست هم داده‌اند، شکلی ادغام‌شده‌ی جامعه مدنی کلاسیک و مدرن در افغانستان هستند.

در زمینی پسا ۲۰۰۱، جامعه مدنی افغانستان در یک فضای بسیار بازتر وارد مرحله جدیدی از فعالیت شد و اعضای آن

منبع: موسسه بین‌المللی مطالعات سیاسی (ISPI)، اورزلا نعمت
ترجمه: فاطمه قرامرز

مفهوم جامعه مدنی و روابط آن با دولت به مرور زمان در سطح جهانی و همچنین در تاریخ معاصر افغانستان تکامل یافته است. در افغانستان جامعه مدنی به‌عنوان یک مفهوم و یک عمل گفتمانی، در مراحل مختلف مسیر تاریخی کشور، رونما شده است. به‌گونه‌ی مثال سنزبل نوید یادآور می‌شود که در قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم روحانیون یا بازیگران مذهبی به‌عنوان «حافظان نظم اسلامی و نمایندگان جامعه مدنی در افغانستان [...]، نقش مهمی در سیاست داخلی کشور و روابط آن با قدرت‌های خارجی داشتند.» بعدها، به‌ویژه از اواسط قرن بیستم به بعد، با ظهور شبکه‌های نخبه شهری تحصیل‌یافته، جامعه مدنی با مفهوم جدید رونما شد. جامعه مدنی در این دوره تحت تأثیر تغییرات سیاسی گسترده جهانی و منطقه‌ای، با مفهوم روشن‌فکر سکولار، یعنی متخصصان، سیاست‌مداران و هنرمندان با پیشینه‌ی سیستم‌های مدرن آموزش عالی، معادل شد. این امر پویایی قبلی را تغییر داد،

درخشش شاعران افغانستان در جشنواره «ژاله اصفهانی»

عباس اسدیان

گزارشگر



«

«با توجه به این که حال و احوال وضعیت سیاسی و اجتماعی یک جامعه روی شعر، و دیگر فرآورده‌های هنری و فرهنگی آن جامعه تأثیر غیرقابل انکاری برجا می‌گذارد، طی سال‌های پسین وضعیت شعر نیز در افغانستان خوب نیست و مجالس نقد و شعرخوانی کم‌رنگ‌تر شده است.»

یازدهمین دور جشنواره «ژاله اصفهانی» روز جمعه، ۱۲ دلو برگزار شد. این جشنواره که در سال‌های قبل معمولاً در دانشگاه لندن برگزار می‌شد در این دو سال اخیر، به دلیل شیوع ویروس کرونا، در فضای مجازی برگزار شده است. در یازدهمین دور این جشنواره نزدیک به ۳۰۰ تن شاعر از

کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان شرکت کرده بودند. در نهایت پنج نفر موفق به دریافت جایزه ۵۰۰ پوندی این جشنواره شدند.

امسال برای اولین بار شاعرانی از کشور افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان در این جشنواره شرکت کردند. موفقیت افغانستان در این جشنواره قابل توجه بود. از جمع شاعران افغانستان مهتاب ساحل و علی یوسفی موفق به کسب جایزه شدند. و همین‌طور سیدرضا محمدی و مژگان ساغر داوران افغانستانی این جشنواره بودند. پیروزی شاعران و داوری در این جشنواره برای جامعه فرهنگی افغانستان موفقیت چشم‌گیر به حساب می‌آید.

بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی

بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی مؤسسه خیریه‌ای است که در کمیسیون خیریه‌ی کشور انگلستان به ثبت رسیده است. دوستداران فرهنگ و ادب به پاس خدمات و ارج‌گذاری به شاعر معروف ایرانی (ژاله اصفهانی) نام این نهاد و جشنواره‌شان را «ژاله اصفهانی» گذاشته‌اند. ژاله اصفهانی میان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۶ زندگی می‌کرد و مهم‌ترین مجموعه‌های شعری‌اش عبارت از «زنده رود»، «البرز بی‌شکست» و «خروش خاموشی» است. ژاله اصفهانی به «شاعر امید» معروف است.

در معرفی‌نامه بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی آمده است «هدف کلی بنیاد آموزش و ترویج فرهنگ، به‌شمول شعر، موسیقی، هنر، تاریخ و میراث فرهنگی، فارسی‌زبانان در سراسر جهان می‌باشد.»

اعتبار و اهمیت جشنواره

علی دهباشی، از پژوهشگران به‌نام ایران و سردبیر مجله بخارا که یکی از مهمانان این دوره بود جشنواره ژاله اصفهانی را از جمع مهم‌ترین فعالیت‌های ادبی چند دهه اخیر در حوزه زبان فارسی دانست: «آقدا می که ژاله اصفهانی انجام داده یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های ادبی چند دهه اخیر به حساب می‌آید. به این جهت که پاسخ‌دهنده به یک نیاز عمیق ادبی است که باید بین ما فارسی‌زبانان در جغرافیای تاریخی زبان فارسی اتفاق می‌افتاد که حالا خوش‌بختانه این نیاز توسط بنیاد ژاله اصفهانی شناخته شده است.» همچنان، بقیه مهمانان و داوران این جشنواره را جشنواره‌ای می‌دانند که در پی موج‌سازی و قطب‌بندی نیست و از اعتبار و حیثیتی بالا برخوردار است.

هیأت داوری و گزینش اشعار

شاعران زیر سن ۳۰ سال می‌توانند شعرهای‌شان را به دبیرخانه این جشنواره ارسال کنند. اما اشعار ارسالی بدون مشخصات شاعر به داوران می‌رسند. داوران طی دو دور اشعار دریافتی را ارزیابی می‌کنند. در مرحله اول پنج شاعر از هر کشور به مرحله نهایی راه می‌یابند که نهایتاً یک نفر از هر کشور برنده می‌شود. در متنی مشترکی که از سوی مجموعه هیأت داوری نشر شده است، آمده است «شعرها براساس معیارهای رایج و ثبت‌شده شعر فارسی و در نظر گرفتن سیر تاریخی ادبیات در هر سه کشور، انتخاب شده‌اند. معیارهای شامل موارد زیر اما نه محدود به آن‌ها: اندیشه، زبان، موسیقی درونی و بیرونی، فرم، نوآوری، چارچوب قالب‌های ترکیب‌سازی، عاطفه و تخیل و تصویر و سعی در رسیدن به بیان اختصاصی خود شاعر.»

مریم آرام، دبیر این جشنواره می‌گوید «هدف کلی جشنواره ترویج ادب فارسی است.» در دوره‌های قبلی این جشنواره فقط اشعار شاعران ایرانی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. اما جشنواره امسال برای اولین بار از افغانستان و تاجیکستان شعر دریافت کرده است، البته از کشور ازبکستان هم چند مجموعه شعر دریافت شده بود که در نهایت فقط آن اشعار «قابل تحسین» دانسته شده و جایزه‌ای به آنان

هرچند بی‌نظیر از عملیات بحث‌برانگیز مشرف علیه رهبر اسلام‌گرای طرفدار القاعده، عبدالرشید قاضی، در اسلام‌آباد در ماه جولای ۲۰۰۷ که منجر به کشته‌شدن قاضی و ده‌ها تن از پیروانش در مسجد سرخ شد، حمایت کرد، اما در صداقت مشرف و یارانش و درستی سیاست‌های ضدتروریسم آن‌ها در پاکستان پسا یازده سپتامبر شک داشت. در همین حال سایر رهبران پاکستان از جمله متحدان مشرف، به دلیل ترس از پیامدهای شدید افکار عمومی و حملات تلافی‌جویانه جهادگرایان و جنگ‌جویان اسلام‌گرا، سعی کردند خودشان را از عملیات مسجد سرخ جدا کنند. حادثه مسجد سرخ نقطه جوش القاعده و جهادگرایان پاکستانی متحد این گروه پس از یازدهم سپتامبر بود که به سرعت برای انتقام از این عملیات، جنگ تمام عیار علیه دولت را اعلام کردند.

تهدیدات باقی‌مانده القاعده و تحریک طالبان پاکستان در پاکستان

سیر رویارویی‌های اسلام‌گرایان، القاعده، دستگاه نظامی پاکستان و حکومت بی‌نظیر از زمان ورود وی به سیاست در سال ۱۹۸۸ تا حادثه مسجد سرخ در جولای ۲۰۰۷ و ترور وی در دسامبر ۲۰۰۷، تصویری دقیق از پیچیدگی‌های سیاسی پاکستان ارائه می‌دهد که در دوره پسا یازدهم سپتامبر، زمینه را برای اسلام‌گرایان طرفدار القاعده از جمله تحریک طالبان پاکستان، برای انجام «جهاد» ضدولتی در پاکستان فراهم کرد. اعضای تندرو گروه‌های ضد بی‌نظیر در دهه ۱۹۹۰ به القاعده و تحریک طالبان پاکستان گرویدند و در ترور وی نقش ایفا کردند. عناصر قدرت‌مند دستگاه نظامی پاکستان که ظاهراً با حمایت از گروه‌های اسلام‌گراسی در متوقف کردن بی‌نظیر داشتند نیز به دلیل نقش‌شان در عملیات القاعده و تحریک طالبان پاکستان برای ترور بی‌نظیر مظنون شناخته شدند.

گرچه روایت رسمی القاعده و تحریک طالبان پاکستان در مورد مبارزه‌شان علیه دولت پاکستان، با انتقاد آن‌ها از حادثه مسجد سرخ در سال ۲۰۰۷ و حمایت پاکستان از حمله امریکا به افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، اما آن‌ها اکنون بر هدف بلندمدت جایگزینی شریعت به جای دموکراسی و تبدیل کردن پاکستان به یک دولت سنی توتالیتر، متمرکزند. این‌ها اهدافی اند که پیشینیان‌شان از جمله تحریک اسلامی پاکستان، جماعت اسلامی، تحریک نفاذ شریعت محمد، سپاه صحابه پاکستان و لشکر جنگوی در پی دستیابی به آن بودند. این امر نشان می‌دهد که جنگ جهادگرایان بر ضد دولت در پاکستان با خروج امریکا از افغانستان پایان نخواهد یافت، زیرا این جنگ ریشه‌ی عمیق در پیچیدگی‌های سیاست پاکستان دارد؛ پیچیدگی‌هایی که تا سال‌های سال ادامه دارد.

عبدال سید دارای مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی از «دانشگاه لوند» سوئد است و به عنوان پژوهش‌گر مستقل بر جهادگرایی و سیاست و امنیت در منطقه افغانستان-پاکستان تمرکز دارد.

تشکیلات القاعده در پاکستان ایفا کرد. استاد احمد فاروق مشاور ارشد مصطفی ابویزید شد و بعداً رهبری «القاعده در شبه قاره هند» را به عهده گرفت و سرانجام در حمله هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ کشته شد. بی‌نظیر هفته‌ها قبل از ترورشدنش، اختر را به برنامه‌ریزی برای ترورش متهم کرد. در نتیجه اختر به جرم ترور بوتو دستگیر شد اما در سال ۲۰۰۸ آزاد گشت. او بعداً به جنگ‌جویان القاعده تحت نظر استاد احمد فاروق در وزیرستان پیوست و تا زمان مرگش در سال ۲۰۱۷ در نتیجه عملیات مشترک نیروهای امریکایی و افغان در ولایت غزنی افغانستان، با این جنگ‌جویان بود.

بی‌نظیر علاوه بر این دشمنی‌ها، به دلیل ریشه‌های شیعی‌اش با مخالفت گروه فرقه‌ای دیوبندی ضدشیعه «سپاه صحابه پاکستان» نیز روبرو بود. سپاه صحابه پاکستان تمام مسلمانان شیعه را کافر می‌داند، خواهان یک کشور تماماً سنی است و سهم اصلی را در خشونت‌های فرقه‌ای بین شیعه و سنی در پاکستان داشته است. حق‌نواز جنگوی، بنیان‌گذار سپاه صحابه پاکستان، که سخنوری آتشین دانسته می‌شد، کنارزدن بی‌نظیر را از قدرت به خاطر شیعه بودنش، یک وظیفه شرعی اعلام کرد. اعضای سپاه صحابه پاکستان در دهه ۱۹۹۰ به رمزی یوسف در دو مورد تلاشش برای ترور کردن بی‌نظیر کمک کردند و لشکر جنگوی، گروه زیرزمینی انشعابی سپاه صحابه پاکستان، که از روی نام حق‌نواز جنگوی نام‌گذاری شد، همچنان به عنوان چهره وحشیانه تروریسم در پاکستان باقی مانده است.

در سال ۱۹۹۰ جنگوی توسط مخالفان فرقه‌اش، شیعه‌ها، که بلافاصله دستگیر شدند، ترور شد. پیروان او قتل او را بخشی از توطئه بزرگ‌تری تلقی کردند که توسط سیاستمداران بانفوذ شیعه پاکستان و حتا ایران ترتیب داده شده بود. قتل جنگوی منجر به خشونت گسترده در زادگاهش «چنگ» و سایر مناطق پنجاب و در نهایت ظهور «لشکر جنگوی» در سال ۱۹۹۵ شد. لشکر جنگوی بعداً پس از ۱۱ سپتامبر به مجری اصلی حملات القاعده و تحریک طالبان پاکستان در پاکستان تبدیل شد. برای مثال مصطفی ابویزید، گفت که لشکر جنگوی به القاعده در ترور بی‌نظیر کمک کرده است.

عملیات «مسجد سرخ» و روابط با مشرف

گرچه بی‌نظیر بوتو پس از یازده سپتامبر در تبعید به سر می‌برد، اما پیوسته جهان را از تهدید اسلام‌گرایان و جهادگرایان در پاکستان هشدار می‌داد. او همچنین منتقد سیاست‌های پسا یازدهم سپتامبر جنرال‌های ارتش پاکستان، به ویژه پرویز مشرف و به‌خصوص تلاش‌های آنان برای مهار القاعده و متحدانش مانند تحریک طالبان پاکستان در پاکستان بود. تجربه دیرینه بی‌نظیر از مقابله با القاعده، اسلام‌گرایان و عناصر سرکش ارتش پاکستان به او در داشتن چشم‌انداز برای چگونگی مقابله با چالش ستیزه‌جویی اسلام‌گرایان در پاکستان پس از ۱۱ سپتامبر کمک کرد.

شامل در روند صلح، درگیر منافع مربوط به تقسیم قدرت‌اند. هزاران سازمان، گروه‌ها و همچنین افراد در سراسر کشور -مناطق روستایی و شهری- در افغانستان با دیدگاه‌هایی وجود دارند که لزوماً طرفدار هیچ یک از طرف‌های منازعه نیستند. این‌ها امروز بازیگران جامعه مدنی هستند که صدای خود را برای عدالت، حقوق بشر و عزت و همچنین پاسخ‌گویی از هر قدرت حاکم، بلند می‌کنند. برخی از پیام‌های کلیدی که جامعه مدنی به روند صلح می‌رساند، شنیده‌شدن صدای افغان‌ها، حمایت از ارزش‌های دموکراتیک، ترویج پاسخ‌گویی، همه‌شمولی، شمولیت قربانیان جنگ و زنان در میان سازندگان صلح، میانجی‌ها و اعضای تیم مذاکره است، زیرا اگر تلاش‌های صلح از حقوق فردی کسانی که عزیزان‌شان را در جنگ از دست داده‌اند (یا از حقوق نیمی از جمعیت کشور) غافل شود، نمی‌تواند به موفقیت بینجامد.

از زمان توافق امریکا و طالبان در فیروزی سال گذشته، روند صلح افغانستان وارد مرحله «جدید» شد که نه تنها نتوانست هیچ‌گونه بهبودی را در امنیت کلی افغانستان ایجاد

تعلق نگرفته است. جایزه اولین دور این جشنواره به محمدجواد آسمانی تعلق گرفته بود. اما امسال از ایران و افغانستان دو-دو نفر برنده نهایی اعلام شدند. داوران در این مورد می‌گویند «شایستگی و خوشامد هر اشعار برندگان در نزد داوران این است که هیچ‌کدام شایسته‌ی حذف شدن نیستند. و توانایی‌ای که هرکدام‌شان در تجسم اندیشه و شکل‌دهی بیان‌شان دارند به اندازه‌ای بود که باعث شد رأی برابر داوران را به خود اختصاص دهند.» طالب لقمان از تاجیکستان و فاطمه صادقی و سعید مبشر مشترکاً از ایران برنده این جایزه شدند.

درخشش شاعران افغانستان در این جشنواره

بعد از حکومت طالبان که دید محدود و دیکتاتورمآبانه آن فضا را برای هر نوع کار فرهنگی تنگ کرده بود، فرصت استثنایی برای کارهای فرهنگی و خصوصاً شاعری و نویسندگی در افغانستان به‌وجود آمد. در این دو دهه اخیر استعدادهای درخشان در حوزه شعر در افغانستان ظهور کرده است که نمونه‌های آن را در جشنواره «ژاله اصفهانی» دیدیم.

مهتاب ساحل، علی یوسفی، فروزان کریمی، هلال فرشید ورد و محمدقاسم یوسفی از افغانستان به مرحله نهایی این جشنواره راه یافته بودند که در نهایت مهتاب ساحل (در بخش شعر کلاسیک) و علی یوسفی (در بخش شعر سپید) به‌صورت مشترک مقام اول را از میان شاعران افغانستان از آن خود کردند.

سیدرضا محمدی و مژگان ساغر هیأت داوران افغانی این جشنواره بودند. خانم ساغر، در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید «جریان شعر در افغانستان خوشبختانه پایه‌یای شعر ایران حرکت کرده و به جایگاه خوبی رسیده. با وصف این که بستر زبان برای ایران بیشتر مهیا است، اما افغان‌ها هم به پیش‌رفت‌های چشم‌گیر دست یافته است.» در ادامه ایشان اضافه می‌کند «نظر به شرایط و مشکلاتی که در افغانستان وجود دارد حتا بعضی شاعران افغانستان گاهی بهتر از ایرانی‌ها شعر سروده‌اند. این امر قابل درنگ و جای بسیار خوشی است.»

مهتاب ساحل، شاعر شناخته‌شده افغانستان و برنده جایزه یازدهمین دور جشنواره شعر ژاله اصفهانی می‌گوید «با توجه به این که حال و احوال وضعیت سیاسی و اجتماعی یک جامعه روی شعر، و دیگر فرآورده‌های هنری و فرهنگی آن جامعه تأثیر غیرقابل انکاری برجا می‌گذارد، طی سال‌های پسین وضعیت شعر نیز در افغانستان خوب نیست و مجالس نقد و شعرخوانی کم‌رنگ‌تر شده است.» خانم ساحل در ادامه اضافه می‌کند «شاعران زیادی ترک وطن کرده‌اند و تعدادی هم که در افغانستان هستند یک عده درگیر حاشیه‌تراشیدن برای کار همدیگر و تخریب همدیگر که این واقعا یک آفت است و فاجعه.»

علی یوسفی، از شاعران مهاجر و برنده جایزه شعر سپید این جشنواره از میان شاعران افغانستان در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید «چنین جشنواره‌ها همانند میدانی است که می‌توان تفکر دیگر ملت‌ها را در آن فهمید و رنج‌شان را لمس کرد. می‌توان از پتانسیل زبانی هم‌زبانان بهره جست و نوتر اندیشید. این جشنواره گامی مؤثر است در مسیر همدلی فارسی‌زبانان.» آقای یوسفی، که شعر افغانستان را به دو بخش شعر مهاجرت و شعر داخلی تقسیم می‌کند، درباره شعر افغانستان می‌گوید: «در طی این سال‌ها فعالیت‌های بسیاری چه در زمینه شعر و چه در زمینه نقد صورت گرفته و بارقه امید هرچه بیشتر در حوزه ادبیات روشنائی بخشیده است.» اگرچند یوسفی از دیدگاه انتقادی‌اش نسبت به وضعیت شعر نیز چشم‌پوشی نمی‌کند و می‌گوید بعضی شعرها «پیچیدگی فراوانی دارد اما پس از کندوکاو در معنای شعر متوجه قلمبه‌سرای و طنین توخالی در سطر می‌شویم.»

حزب پیروز انتخابات میانمار خواهان آزادی آنگ سان سوچی شد

اطلاعات روز: حزب اتحادیه ملی دموکراسی که در ماه عقرب توانسته بود با کسب ۸۳ درصد از آرا در انتخابات پارلمانی به پیروزی برسد، خواستار آزادی آنگ سان سوچی شد.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، نظامیان پس از بازداشت خانم سوچی و شمار دیگری از سیاستمداران ارشد در این کشور حکومت نظامی اعلام کردند. واکنش‌ها به این اقدام در حال گسترش است و نظامیان در میانمار تحت فشار بین‌المللی قرار گرفته‌اند. پیشبینی می‌شود این اقدام به اقتصاد ضعیف این کشور ضربه بزند.

از محل بازداشت خانم سوچی اطلاعی در دسترس نیست اما گمان می‌رود او در منزلش در ناپیتاو پایتخت در حصر خانگی است.

حزب اتحادیه ملی دموکراسی همچنین خواستار به رسمیت شناخته شدن نتایج انتخابات و تشکیل مجلس شد.

ارتش میانمار مدعی است که انتخابات اخیر در این کشور که به پیروزی قاطع حزب خانم سوچی انجامید، محدودش و نتایج آن قابل قبول نیست.

خانم سوچی بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۰ نزدیک به

۱۵ سال در بازداشت به سر برد. او در نامه‌ای که قبل از بازداشت نوشته بود، از طرفدارانش خواسته بود تا علیه کودتا اعتراض کنند.

خانم سوچی هشدار داده بود که نظامیان مجدداً دیکتاتوری را در کشور حاکم خواهند کرد.

میانمار که به برمه شناخته می‌شود در سال ۲۰۱۱ و پس از چند دهه حکومت نظامیان، با تلاش‌های آنگ سان سوچی از استیلای دیکتاتوری نظامیان خارج شده بود.

خانم سوچی برای همین تلاش‌هایش در سال ۲۰۱۰ جایزه صلح نوبل گرفت هر چند در چند سال اخیر به علت رفتار دولت میانمار با اقلیت مسلمانان روهینگا در میانمار با انتقادهای جدی و گسترده روبرو بوده است.

بنابر اعلام ارتش میانمار، قدرت به مین آنگ هلینگ، فرمانده کل ارتش منتقل شده است.

کودتا احتمال به اقتصاد میانمار ضربه می‌زند

تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که کودتا در میانمار به اقتصاد این کشور آسیب خواهد زد.

شرکت‌های تجاری می‌گویند کودتا اخیر در حال حاضر



میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری خارجی را در معرض ریسک قرار داده است.

میانمار یکی از فقیرترین کشورهای منطقه است.

امریکا حکومت نظامیان در میانمار را به اعمال تحریم تهدید کرده است.

با این حال گمان می‌رود با توجه به اینکه بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در میانمار به کشورهای آسیایی محدود

پیشنهاد ظریف به اروپا برای ایجاد سازوکاری برای «بازگشت همزمان» ایران و امریکا به توافق هسته‌ای

به این توافق را رد کردند و گفتند که ابتدا ایالات متحده که از برجام خارج شده باید به آن برگردد و تحریم‌های ایران را به طور کامل لغو کند.

دولت دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و تحریم‌های هسته‌ای ایران را با شدت بیشتر و با شعار «فشار حداکثری» برگرداند.

ایران هم یک سال بعد کاهش تعهدات خود در برجام را آغاز کرد و در نهایت تقریباً تمام محدودیت‌های فنی تعیین‌شده در توافق هسته‌ای را کنار گذاشت.

در هفته‌های اخیر هم فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و تولید اورانیوم فلزی در تاسیسات هسته‌ای ایران هشدار امریکا و نگرانی شدید کشورهای اروپایی را به دنبال داشته است.

بازگشت امریکا به برجام را مشروط به رفع تحریم‌ها دانست و گفت «هیچ عجله‌ای نداریم که امریکا به برجام برگردد».

در روزهای گذشته هم آنتونی بلینکن، وزیر خارجه کابینه جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا، روز سه‌شنبه ۲۷ جنوری (هشت دلو) در اولین نشست خبری خود تصریح کرد که موضع جو بایدن این است که اگر ایران به تعهداتش در برجام برگردد، ایالات متحده هم همین کار را خواهد کرد و بعد از آن به دنبال «توافقی بلندمدت‌تر و مستحکم‌تر» با جمهوری اسلامی خواهد بود.

اما بلافاصله پس از نشست خبری وزیر خارجه امریکا، مقام‌های ایران خواسته واشنگتن درباره لزوم بازگشت کامل ایران به تعهداتش در برجام، قبل از بازگشت امریکا

او در این مصاحبه گفت شما به روشنی می‌دانید که می‌تواند سازوکارهایی وجود داشته باشد که اساساً به همگام‌سازی بینجامد یا آنچه می‌تواند بدان عمل شود را هماهنگ کند.

در این مصاحبه مطرح شد که جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا می‌تواند از سمتش در مقام هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برای هماهنگ‌سازی اقداماتی که لازم است ایران و ایالات متحده انجام دهند، استفاده کند. به گفته محمدجواد ظریف، جوزپ بورل می‌تواند اقداماتی را که لازم است توسط امریکا و ایران انجام دهد، «تنظیم کند».

این اظهارات آقای ظریف در حالی عنوان می‌شود که اواسط دیماه امسال، آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر ایران

اطلاعات روز: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، خواستار همکاری اتحادیه اروپا شد تا شرایط برای «بازگشت همزمان» تهران و واشنگتن به توافق هسته‌ای فراهم شود.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، این اظهارات پس آن مطرح می‌شود که در یک بن بست دیپلماتیک، ایران و امریکا برای پیشبرد توافق رفع تنش، از طرف مقابل خواسته‌اند گام نخست را بردارند.

اما اکنون محمدجواد ظریف که پیش از این خواستار پیشقدم شدن امریکا و اقدام عملی این کشور برای رفع تحریم و بازگشت به برجام شده بود، شب گذشته (دوشنبه ۱ فبروری) در مصاحبه با شبکه خبری سی‌ان‌ان راهکاری برای حل اختلاف ایران و امریکا ارائه داد.

اعتراضات دانشگاه بغازچی؛

پولیس استانبول ۱۵۹ دانشجوی معترض را بازداشت کرد



کرده‌اند.

فرمانداری استانبول اما در بیانیه‌ای علت مداخله پولیس و بازداشت دانشجویان را چنین توصیف کرده: «گروهی از معترضان که مقابل ساختمان اصلی حضور پیدا کرده بودند و مانع از تردد به این ساختمان می‌شدند و برخی از اعضای دانشکده و کلوب دگرپاشان جنسی دانشگاه هم در میان آنها بودند به هشدارهای پولیس خصوصی دانشگاه که خواستار متفرق شدن آنها و پایان تجمع شده بودند، بی‌اعتنایی کردند».

بنابر گزارش‌ها پولیس هنگام یورش به دانشجویان دستور می‌داده که «سرتان را پایین بیاورید» و در واکنش به

این فرمان دانشجویان هشتگ «سرت را پایین نینداز» #AşağıBakilmez را در توئیتر داغ کرده‌اند.

این هشتگ خیلی زود به بیانیه‌های سیاسی علیه بازداشت دانشجویان هم راه یافت.

در همین حال انجمن‌های دانشجویی دیگر هم به حمایت از دانشجویان معترض دانشگاه بغازچی برای برگزاری تجمع‌های اعتراضی اعلامیه داده‌اند.

یورش روز دوشنبه پولیس به دانشجویان ساعتی پس از آن روی داد که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، در سخنانی اعتراضات دانشجویان بغازچی را مورد حمله قرار داد و معترضان را «مخربان اموال عمومی» خواند.

آقای اردوغان که در سخنانی تلویزیونی به اعتراضات دانشگاه بغازچی واکنش نشان می‌داد گفت: «ما نسل جوانمان را همچون نقشی که در گذشته باشکوه کشورمان وجود دارد به آینده معرفی خواهیم کرد نه به عنوان جوانان ال‌جی‌بی‌تی. شما جوانان ال‌جی‌بی‌تی نیستید. شما اموال عمومی را تخریب نمی‌کنید. بلکه برعکس، شما التیام دهنده دل‌های شکسته هستید».

اعتراضات دانشجویی در دانشگاه بغازچی که از حدود یک ماه پیش آغاز شده دور روز پیش با بازداشت چهار دانشجو وارد مرحله جدیدی شد.

شنبه، ۳۰ جنوری، گزار شد که پولیس چهار دانشجو را به علت خلق یک اثر هنری بازداشت کرده است.

این پوستر شامل پرچم رنگین‌کمانی دگرپاشان جنسی در چهار گوشه تصویری از شاه‌ماران - نمادی اسطوره‌ای در ادبیات ترکیه - و کعبه، خانه خدا در باور مسلمانان بود.

این پوستر بخشی از یک فراخوان هنری اعتراضی به انتصاب ملیج بولو، رئیس جدید دانشگاه بغازچی بود.

اطلاعات روز: در ادامه اعتراضات دانشجویان دانشگاه بغازچی استانبول به انتخاب رییس جدید این دانشگاه، پولیس با برهم زدن تجمع صدها دانشجو، ۱۵۹ نفر از آنان را بازداشت کرد که با واکنش احزاب سیاسی این کشور روبرو شده است.

این اعتراضات که از حدود یک ماه پیش آغاز شده با انتشار یک پوستر هنری مرتبط با حقوق دگرپاشان جنسی و کعبه، خانه خدا در باور مسلمانان، اوج گرفته و به رویارویی پولیس و دانشجویان کشیده است. ساعاتی بعد گزارش شده که تعدادی از این افراد آزاد شده‌اند.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، پولیس با ورود به محوطه مقابل کمپ جنوبی دانشگاه بغازچی که دفتر رییس دانشگاه هم آنجاست، به بازداشت و برهم زدن تجمع دانشجویانی پرداخته که خواستار استعفا ملیج بولو، رییس جدید این دانشگاه، شده بودند.

ملیج بولو از اعضای حزب حاکم ترکیه، ای‌کی‌پی، است و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری این کشور او را حدود یک ماه پیش به ریاست این دانشگاه قدیمی و معتبر در استانبول منصوب کرد.

اما دانشجویان انتصاب آقای بولو را با اهداف سیاسی و کنترلی بر این دانشگاه ارزیابی کردند و خواستار استعفا او شده‌اند.

دانشجویان در اعتراض‌های خود که از اوایل ماه جنوری گذشته آغاز شد با «انتصابی» خواندن ملیج بولو علیه او شعار می‌دهند و می‌گویند «او رییس ما نیست».

اعضای هیات علمی این دانشگاه هم با اعتراض به انتصاب آقای بولو آن را در تضاد با «آزادی علمی، استقلال علمی و همچنین ارزش‌های دموکراتیک دانشگاه» خود ارزیابی

اما فرمانداری استانبول این اثر هنری را یک «حمله زشت» به «باورهای دینی» جامعه ترکیه خواند.

پس از آن هم سلیمان سولویو وزیر کشور ترکیه در تویتی این دانشجویان را «منحرف» خواند اما این اظهارنظر با واکنش خشمگین فعالان در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد و از آن به‌عنوان سخنان نفرت‌پراکنانه یاد کردند و خواستار حذف این توئییت شدند.

در مقابل نیز محافظه‌کاران و طرفداران دولت در شبکه‌های اجتماعی این دانشجویان را محکوم کردند.

در حالی که همجنسگرایی در دوران معاصر ترکیه قانونی بوده اما در سال‌های اخیر مخالفت رسمی با این جامعه افزایش یافته است.

راهپیمایی سالانه دگرپاشان جنسی (پراید استانبول) به مدت ۵ سال تا ۲۰۱۹ ممنوع بود.

در سال ۲۰۲۰ هم شیوع ویروس کرونا مانع از هرگونه تلاش برای برگزاری آن شد.

در ترکیه، دیدگاه عمومی درباره همجنسگرایی محافظه‌کارانه است و جامعه دگرپاشان/ ال‌جی‌بی‌تی گزارش‌هایی از تبعیض و آزار وسیع گزارش کرده است.

بنا به گزارش‌ها، در این اثر هنری همچنین تصویری از «شاه‌ماران»، موجودی اساطیری در خاورمیانه که نیمی زن و نیمی مار است، دیده می‌شود.

ابراهیم کالین، مشاور رییس‌جمهوری ترکیه در این رابطه گفت: «نه آزادی بیان و نه حق اعتراض» از این اثر هنری دفاع نمی‌کند و افزود در مورد این اقدام «مجازات

متناسب با قانون» در نظر گرفته خواهد شد.

دانشجویان بغازچی در تویتی خواستار آزادی دانشجویان بازداشتی شده‌اند و در توئییت دیگری گفته‌اند که سخنان دگرپاش‌هراسانه جایی در بغازچی ندارد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیرمهریار

• صفحه‌آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

• شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

خبر کوتاه

نفرین مدافعان لیورپول؛
ماتیپ ادامه فصل را
از دست داد

باشگاه لیورپول اعلام کرده است که جوئل ماتیپ، مدافع این تیم، به دلیل مصدومیت ادامه فصل را از دست داده است.

به نظر می رسد که مدافعان لیورپول با نفرینی دست به گریبان شده اند؛ پس از ویرژیل فن دایک و جو گومز، حالا نوبت به جوئل ماتیپ رسید تا به دلیل مصدومیت ادامه فصل را از دست بدهد.

جوئل ماتیپ در پیروزی ۳-۱ هفته گذشته لیورپول برابر تاتنهام از ناحیه مچ پا آسیب دید و اکنون باشگاه لیورپول و یورگن کلوپ، سرمربی این تیم، اعلام کرده اند که سرخ ها تا پایان فصل جاری ماتیپ را در اختیار نخواهند داشت.

در بیانیه باشگاه لیورپول که روی سایت این باشگاه قرار گرفته آمده است: «با معاینات بیشتر مشخص شد که ماتیپ در ادامه فصل قادر به بازی و نقش آفرینی در ترکیب قرمزها نخواهد بود.»

یورگن کلوپ نیز در رابطه با وضعیت مدافع مصدوم تیم خود گفت: «متأسفانه ما اکنون و پس از اینکه همه وضعیت مصدومیت او را بررسی کردند، متوجه شده ایم که جوئل در ادامه فصل باید غایب باشد.»

اما او برای پیش فصل، فصل آینده حاضر خواهد بود و همه چیز بالاخره سر و سامان خواهد گرفت.»

کلوپ راجع به صحنه منجر به مصدومیت ماتیپ افزود: «واقعاً بدشانسی بود چرا که او در آن لحظه عملکرد فوق العاده ای داشت و در واقع در آن لحظه در بازی با تاتنهام وقتی برابر سون پیروز شد، زندگی ما را نجات داد.»

اما او مچش را مصدوم کرد و همچنان به بازی ادامه داد و حالا ادامه فصل را از دست داده است. پس می توانید تصور کنید چقدر تلاش کرد تا در زمین بماند و به ما کمک کند.»

لیورپول البته تایید کرده که توانسته با بن دیویس و اوزان کاباک قرارداد ببندد تا اندکی از نگرانی های این تیم و هوادارانش در خط دفاعی کاسته شود.



مایورال بهتر از رونالدو و لوکاکو



را به ثبت رساند. چیرو ایموبیله، برنده کفش طلای اروپا ۲۰۲۰ در هر ۱۱۳ دقیقه یک گل به ثمر رسانده است. این در حالی است که روملو لوکاکو در هر ۱۰۱ دقیقه دروازه حریفان را باز کرد. تنها زلاتان ایبراهیموویچ و لوییس موریل آمار بهتری را به ثبت رساندند. مهاجم سوئدی میلان هر ۶۷ دقیقه گلزنی کرده و بازیکن کلمبیایی هر ۵۳.۳ دقیقه یک گل را وارد دروازه حریفان کرده است. آمار موریل در پنج لیگ برتر اروپایی هم بهترین است.

گل به ثمر برساند. او خود را به خوبی با فوتبال ایتالیا وفق داده است و از فرصت قرار گرفتن در ترکیب اصلی به بهترین شکل بهره برد. اکنون بهترین میانگین گلزنی را در سری آ به خود اختصاص داده است.

مایورال در ۴۸۳ دقیقه ای که برای رم بازی کرده شش گل به ثمر رسانده است. مهاجم اسپانیایی تقریباً از همه گلزنان برتر کالچو بهتر عمل کرده است. کریستیانو رونالدو ستاره این رقابت ها میانگین گلزنی یک گل در هر ۹۰ دقیقه

مهاجم رم عملکرد بهتری در گلزنی نسبت به ستاره پرتگالی و بازیکن اینتر داشته است.

به نقل از بی ساکر، بورخا مایورال، بازیکن رئال مادرید که به صورت قرضی برای رم بازی می کند، دوباره در پیروزی ۳ بر یک تیمش مقابل ورونا در سری آ ایتالیا گلزنی کرد تا میانگین هر ۸۰ دقیقه یک گل را به ثبت برساند. این یک آمار عالی به حساب می آید.

مهاجم اسپانیایی پس از ترک رئال مادرید در تابستان برای رم توانست ۹

دفاعیه اسپورت از مسی؛

چرا مسی ۵۵۵ میلیون یورو می ارزد؟



سال قراردادی ۵۵۵ میلیون یورویی با کاتالان ها بسته بود. موضوعی که جنجال بسیاری در بارسلونا بر پا کرد. سوالی که پس از افشای این قرارداد برای فوتبال دوستان ایجاد شده است این است که آیا مسی اینقدر می ارزد؟

روزنامه های اسپانیایی اکنون به این موضوع پرداخته اند که لیونل مسی برای بارسلونا بسیار بیش از آنچه هزینه داشته،

در پی جنجال هایی که با فاش شدن مبلغ قرارداد ۵۵۵ میلیون یورویی مسی با بارسلونا ایجاد شده، اکنون گفته می شود که کاپیتان اسطوره ای بلوگرانا، بسیار بیشتر از دستمزدی که از بارسا گرفته، برای این تیم درآمدزایی کرده است.

در روزهای گذشته روزنامه ال موندو مبلغ قرارداد مسی با بارسلونا را فاش کرده و مشخص شد که کاپیتان بارسا برای چهار

خوشحالی خدیوا از بازگشت به بوندسلیگا

مهیا شود.

خدیوا افزود: از نظر بدنی در شرایط خوبی قرار دارم. من تجربه زیادی کسب کرده ام که قطعاً این به من کمک خواهد کرد. می خواهم به هرتابرلین کمک کنم و نهایت تلاش خود را به کار می گیرم. خدیوا در سال ۲۰۱۵ بود که به صورت بازیکن آزاد به یوونتوس پیوست. او ۱۲۴

قرارداد امضا کرد.

او گفت: هرتابرلین این فرصت را به من داد تا بار دیگر به بوندسلیگا برگردم. از انگیزه بسیار بالایی برخوردار هستم و خودم را مدیون این باشگاه می دانم. به صراحت بگویم که برای بازی با پیراهن هرتابرلین بسیار بی تاب هستم و امیدوارم که هر چه سریع تر این فرصت

بازیکن سابق رئال مادرید خوشحال است که به بوندسلیگا بازگشته و گفت که برای بازی با پیراهن هرتابرلین بی تابی می کند.

به نقل از کیکر، سامی خدیوا سرانجام تصمیم به جدایی از یوونتوس گرفت و به بوندسلیگا بازگشت. او هافبک ۳۳ ساله رسماً با هرتابرلین به توافق نهایی رسید

دفاعستان اسلامی جمهوری
جمهوری اسلامی افغانستان

دکتره نی، اوپولکولو و مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات امور ساختمانی
مدیریت عمومی تدارکات امور ساختمانی

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی MAIL/PD/NCB/W/82/1400

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروژه داوطلبی پروژه اعمار و ترمیم غرفه های حریق شده ساحه نمایشگاه زراعتی واقع بادم باغ ولایت کابل اشتراک نموده شرطنامه مربوطه را در فلش دسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات امور ساختمانی یا از وب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۵ حوت سال ۱۳۹۹ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر به تعمیر عقب منابع بشری دفتر جلسات ریاست تهیه و تدارکات، ارایه نمایند. آفر های ناوقت رسیده و انترنیته قابل پذیرش نمیباشد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۲۵،۰۰۰) بیست و پنج هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشائی بتاریخ معینه ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اتاق جلسات آفرگشائی ریاست تهیه و تدارکات تدویر میگردد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۴۰۰۰ افغانی

شش ماهه

قیمت: ۲۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



راه‌حل‌های شکست‌خورده

در آغاز این نوشتار یادآور شدیم که بین ادبیات صوفیانه و ادبیات حکمی، یک مرز مشترک وجود دارد. آن مرز مشترک، توصیه و پیشنهاد راه‌حل در راستای حل مشکلات برای مردم می‌باشد. نکته‌ای که یادآوری‌اش ضروری به نظر می‌رسد این است که هم ادبیات صوفیانه و هم ادبیات حکمی، هیچ قصد سوء در قبال این توصیه‌ها و راه‌حل‌های‌شان ندارند. برعکس، هر دو گونه‌ی ادبی، اخلاقی‌محور اند و تلاش می‌کنند تا ارزش‌های اخلاقی را در جامعه، تعمیم دهند.

حتا بسیاری از صاحب‌نظران حوزه‌ی ادبیات، به این باورند که نه تنها ادبیات صوفیانه و حکمی که حتا ادبیات درباری، در جهت ترغیب حاکمان به سوی کارهای نیک نقش مثبت بازی کرده‌اند. البته این نکته، در قسمت ادبیات ستایش‌گری خیلی خوش‌بینانه به نظر می‌رسد.

سخن در نوشتار حاضر، بر سر نیت این دو نوع ادبی نیست، بلکه بحث برسر ابزار انتقال تجربه و توصیه، و میکانیزم تطبیق آن، برای نسل‌های پس از خودشان می‌باشد. زیرا، چه نیت‌های خیری در جهان بوده اند که به خاطر میکانیزم‌های اشتباه و غیر عملی، نتیجه‌ی عکس داده اند. نیت نیک، به معنای نتیجه‌ی نیک نیست. جهان، پر است از نیت‌های خیرخواهانه. اما خیلی وقت‌ها، همین نیت‌های خیراندیش، تبدیل به عمل‌کردهای شرم‌خور شده اند.

اگر ادبیات صوفیانه، تزکیه‌ی نفس را در خلوت و فردیت آدمی توصیه می‌کند ادبیات حکمی، تزکیه‌ی نفس و رعایت ارزش‌های اخلاقی را در جامعه توصیه می‌کند. پس یکی رویکرد فردی دارد و دیگری، رویکرد جمعی. از این جهت، هر دو مکمل یکدیگر است.

نگرش ادبیات حکمی، مانند ادبیات صوفیانه، مبتنی بر نادانی غیر است. شاعر یا نثرنویس ادبیات حکمی، مانند صوفی به این باور است که نارسایی‌ها ریشه در نادانی دارد و هرگاه جامعه دانا شود مشکلات نیز رفع می‌گردد. زبان هر دو نیز، مشترک است. میکانیزم تطبیق در ادبیات حکمی، عملی نمودن ارزش‌های اخلاقی است. اما تعهد در برابر این ارزش‌ها، تعهد فردی است. یعنی خود فرد باید متعهد شود که به آن ارزش‌ها پابند باشند و الا کدام مجبوریات یا نیروی فشار از بیرون وجود ندارد. نگاه هستی‌شناختی در ادبیات حکمی، معطوف به این است که ذات انسان اخلاقی‌گرا و کمال‌گرا است. اگر این انسان کمال‌گرا، از نادانی رهایی یابد خوبی‌ها را می‌گیرد، بدون آن‌که کدام نیروی فشار از بیرون لازم باشد. چون گوهر انسان نیک‌خواه است.

گفتیم که ادبیات حکمی، فرد را در جامعه اخلاقی‌مدار آرزو می‌کند. از این جهت، مخاطب اصلی او حاکمان اند. چون به این باور است که اگر حاکم اصلاح‌گردد رعیت در تبعیت از حاکم اصلاح می‌شوند. این نگاه حاکم‌محور، لبه‌ی تیز تیغ توصیه را متوجه او می‌کند. نیازی به گفتن ندارد که در نشانه‌شناسی حاکمان، برجسته‌ترین نشانه همان پادشاه و سلطان است. این دو نام، مدلول هر که حاکم است را حمل می‌کند. اگر کتاب حکمی

راه‌حل‌های تعمیم‌ناشونده و شکست‌خورده (۳)

محمد موسا شفق



در دنیای امروز می‌توانیم توصیه‌گرایانه‌ی ادبیات حکمی، در جهت اخلاقی کردن زمامدار و جامعه، شکست‌خورده است. این شکست، ریشه در دو نکته دارد: یکی فقدان مردم در این راهکار و دوم، نگاه به عدالت، همچون تاکتیک نه عدالت همچون ارزش.

که چه بسا حاکمان بد اخلاق و بی‌باور به اخلاق، وقتی در درون ساختارهای قانون‌مدار قرار می‌گیرند مجبور به رعایت ارزش‌های قانونی که همان ارزش‌های اخلاقی نیز هست، می‌شوند. پس اگر جامعه، اخلاق‌مدار بود در آن صورت اگر شاه بی‌اخلاق هم باشد فضای عمومی و ساختارهای قانونی او را، مجبور به تبعیت از آن وضعیت خواهد نمود.

حال آن‌که نگاه گذشته حاکم‌محور بود و نگاه کنونی مردم‌محور. این نگاه شاه‌محور را با دو حکایتی از گلستان سعدی، پی می‌گیریم. در گلستان، حکایتی منسوب به انوشیروان است. این حکایت، نشان‌دهنده‌ی تبعیت از رأی پادشاه در مشورت‌ها می‌باشد. یعنی در همه حال پادشاه مطلق‌العنان است و حتا در زمان توصیه‌های اخلاقی و مشورت در باره‌ی موضوعات کشورداری هم باید مطابق ذوق سلطان سر تکان داد.

روزی وزیران انوشیروان، روی یک موضوع مهم با پادشاه مشورت می‌کردند. رأی وزیران، مخالف رأی انوشیروان بود. در این میان، بزرگ‌مهر وزیر دانشمند انوشیروان، در موافقت با نظر پادشاه رأی داد. در نهان، وزیران به بزرگ‌مهر اعتراض کردند که این چه کاری بود که کردی؟ زیرا موضوع کاملا واضح بود که نظر پادشاه، مخالف مصلحت ملک است. بزرگ‌مهر گفت به خاطر آن‌که نتیجه‌ی کارها معلوم نیست و بستگی به تقدیر دارد. ممکن درست آید یا به زبان ختم شود. پس موافقت با نظر پادشاه، به مصلحت است. اگر چنان‌چه خلاف صواب آمد به علت متابعت، از عتاب و مجازات سلطان در امان هستیم. «خلاف رأی سلطان رأی جستن/به خون خویش باشد دست شستن/اگر خود روز را گوید شب است این/بباید گفتن آن‌که ماه و پروین.» (سعدی، ۱۳۵۷: ۶۴)

بزرگ‌مهر، به عنوان دانایی زمان می‌گوید خلاف نظر سلطان نظر دادن، با خون خود بازی کردن است. اگر پادشاه، در روز روشن بگوید که حالا شب تاریک است باید در تأیید نظر او، خورشید را بگوییم که ماه و ستاره است!

در حکایتی دیگر، ظاهر داستان نشان‌دهنده‌ی این امر است که گویا سلطان، از برای مردم است. اما با کمی تأمل، روشن می‌شود که مطابق این حکایت، به عدل رفتار کردن، ارزش نیست بلکه یک تاکتیک و ابزار است به خاطر حفظ قدرت سلطان. یعنی هرگاه، ستم‌کردن بهتر از عدالت‌کردن در راستایی حفظ قدرت سلطان، نتیجه‌ی مثبت بدهد پادشاه می‌تواند به خاطر دوام قدرت خود، به جای عدالت، ستم‌کاری پیشه کند.

سعدی، حکایت می‌کند که یکی از پادشاهان عجم، بر سر رعیت ظلم می‌کرد. مردم از جور

در قسمت سیاست و حکومت‌داری، شاه/سلطان است. اما در شرایط کنونی، این باور که اگر شاه/سلطان صالح بود مردم هم صالح اند، اشتباه ثابت شده است. یا حداقل، بسنده نیست. البته، چنین نگرشی در ادبیات صوفیانه نیز وجود دارد. مولوی در مثنوی می‌گوید مردم از خوی شاه تأثیر می‌پذیرند. آن‌گونه که آسمان سبز، خاک را سبز می‌کند. شاه، مانند حوض آب است. از این حوض، هر طرف، لوله‌هایی کشیده شده اند. پس اگر آب حوض پاک بود آب لوله‌ها هم پاک اند و اگر آب حوض کثیف بود آب لوله‌ها هم کثیف اند. یعنی مشکل در لوله‌ها نیست بلکه مشکل در سرچشمه است. پس فاسد شدن مردم، ریشه در فاسد بودن سلطان دارد. «زان‌که لطف شاه خوب با خیر/کرده بود اندر همه ارکان اثر/خوی شاهان در رعیت جاگند/چرخ اخضر خاک را خضرا کند/شاه چو حوضی دان و هرسو لوله‌ها/آب از لوله روان در گوله‌ها/چون که آب جمله از حوضی است پاک/هر یکی آبی دهد خوش ذوق/ناک/ور در آن حوض آب شور است و پلید/هر یکی لوله همان آرد پدید.» (مولوی، ۱۳۷۸، دفتر اول: ۱۲۷)

این سخن، ظاهر نیکویی دارد و در جامعه‌ی ما واقعیت هم هست. اما، طرف دیگر ماجرا این است که این‌گونه نگرستن به مردم، نگاه ابزاری و لوله‌ای است. مردم، لوله‌هایی اند که از حوض اخلاق و عادت‌های شاه، سیراب می‌شوند!

یکی از تفاوت‌های بنیادی جهان مدرن با جهان سنتی، همین جابه‌جایی جایگاه سلطان و مردم است. در نگرش مدرن، جای سلطان را مردم گرفته‌اند. گرچند در جامعه‌ی ما ممکن مصداق کم‌تر داشته باشد. ولی این کم‌مصداقی به معنای آن نیست که ما دوباره به نگاه سنتی برگردیم. در عوض، تصور غالب جهان مدرن را باید تقویت کنیم تا از این مشکل رهایی یابیم. چون رهیدن از این مشکل، چسپیدن به سنت نیست بلکه رهیدن از سنت است. این جابه‌جایی، نشان می‌دهد

او به تنگ آمدند و از کشور آواره شدند. با کم‌شدن رعیت، دولت‌داری پادشاه رو به زوال می‌نهد و خزانه تهی می‌شود. روزی در مجلس پادشاه، سخن از حکایت‌های شاه‌نامه به میان می‌آید تا می‌رسد به حکایت ضحاک و فریدون. یکی از وزیران می‌پرسد ای پادشاه، می‌دانی چرا فریدون بدون هیچ امکاناتی بر ضحاک پیروز شد؟ در پاسخ می‌گوید چون ضحاک ستم پیشه‌کرد و فریدون به عدل رفتار نمود. مردم جور دیده، گرد فریدون جمع شدند و بر علیه ضحاک شوریدند. وزیر می‌گوید ای سلطان چرا مردم را پراکنده می‌کنی؟ مگر هوای پادشاهی در سر نداری؟ «همان به که لشکر به جان پروری/اگر سلطان به لشکر کند سروری.» پادشاه از وزیر می‌پرسد: «موجب گرد آمدن سپاه و رعیت چه باشد؟» وزیر می‌گوید: «پادشاه را کرم باید تا برو گرد آیند و رحمت، تا در پناه دولتش ایمن نشینند و تو را این هردو نیست.» (همان: ۴۴)

در این حکایت، سرانجام حرف وزیر می‌شود و برادرزادگان سلطان بر علیه او می‌شورند. مردمی که از دست ظلم او آواره شده بودند دور برادرزادگان او را می‌گیرند و سلطان را سرنگون می‌کنند.

مطابق این حکایت، عدالت ارزش ذاتی ندارد. بلکه ترفندی است برای پروریدن لشکر. چون سروری سلطان، با لشکر ممکن است. همچنان، با داد رفتار کردن، مردم آواره نمی‌شوند و تجمع مردم، باعث تجمع ثروت پادشاه از راه جمع آوری مالیات از مردم می‌گردد.

لذا، اگر بحث لشکر و مالیات نباشد ضرورت رعایت عدالت، در حکومت‌داری، مطابق چنین نگرشی منتفی است. این نگاه شاه/سلطان‌محور در ادبیات حکمی، از یک‌سو جای‌گاهی برای مردم قابل نیست و مردم در ادبیات حکمی، حلقه‌ی مفقوده اند و از طرف دیگر، عدالت ارزش ذاتی ندارد بلکه تاکتیک و ابزار است در راستایی حفظ قدرت سلطان. این ابزار، هر لحظه ممکن است جایش را به ابزاری دیگر بدهد و محتمل‌ترین بدیل عدالت، ستم‌کاری است. حکومت‌های توتالیتر و لشکر‌محور، نمونه‌ی خوبی برای این جابه‌جایی عدالت، همچون تاکتیک است.

در دنیای امروز، میکانیزم توصیه‌گرایانه‌ی ادبیات حکمی، در جهت اخلاقی کردن زمامدار و جامعه، شکست‌خورده است. این شکست، ریشه در دو نکته دارد: یکی فقدان مردم در این راهکار و دوم، نگاه به عدالت، همچون تاکتیک نه عدالت همچون ارزش. پایان.

منابع

۱. سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۵۷). گلستان سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات امیرکبیر؛
۲. عطار، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۳). منطق‌الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی، تهران: انتشارات سخن؛
۳. مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۷۸). مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: انتشارات ققنوس.

اندام متناسب و عضلاتی در دو ماه

برای معلومات بیشتر:

+93 (0) 798 111 555 | +93 (0) 229 555 111

کارخانه دوزخ | کارخانه عمومی منطقه فتح الله، بین سونک ۲ و ۳، سعادت پور، کابل، افغانستان | F45 Training Kabul | www.f45.af/info